



برنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی رشد عدالت محور



سید مرتضیٰ



برنامہ وزارت امور اقتصادی و دارایی رشد عدالت محور

سید علی نے زاہد

فهرست

۱	مقدمه
۳	بخش اول: تبیین وضع موجود
۸	بخش دوم: مبانی طراحی برنامه
۹	۲.۱. اسناد بالادستی
۱۰	۲.۲. رویکردهای برنامه
۱۳	۲.۳. اصل‌های کلی
۱۶	بخش سوم: اهم برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی
۲۰	۳.۱. توسعه بازار سرمایه و ارتقای نظام تأمین مالی تولید
۲۳	۳.۲. ارتقای نظام تامین مالی تولید و مشارکت در برنامه اصلاح نظام بانکی
۲۷	۳.۳. بیمه
۲۹	۳.۴. ارتقای کارایی اجرای بودجه و مدیریت بدهی‌های دولت
۳۰	۳.۵. مولدسازی دارایی‌های دولت
۳۱	۳.۶. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و توانمندسازی بخش خصوصی
۳۲	۳.۷. مالیات

فهرست

۳۵	۳.۸ گمرک و فرایندهای تجاری
۳۶	۳.۹ مناطق آزاد
۳۸	۳.۱۰ اصلاح نهادی و ارتقای محیط کسب و کار
۳۹	۳.۱۱. دیپلماسی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی
۴۲	۳.۱۲. اقتصاد هوشمند و تحول رقومی (دیجیتال)
۴۴	سخن پایانی

مقدمه

«پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه» از وظایف مصرّح دولت در قانون اساسی است. بند دوازدهم اصل سوم قانون اساسی، ویژگی‌های اقتصاد صحیح و عادلانه را ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه بر می‌شمرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تبیین جایگاه اقتصاد در نظام اسلامی تأکید کرده‌اند: «اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.» از نگاه ایشان، عدالت اجتماعی و رفع فقر، از اصول بنیادین نظام است و کارآمدی دولت در گرو تأمین این مطالبات عمومی است.

نظام جمهوری اسلامی ایران، در این راستا دستاوردهای غیرقابل انکاری در فراهم آوردن تسهیلات عمومی زندگی، ایجاد زیرساخت‌های توسعه و گسترش آموزش، بهداشت و امنیت در اقصی نقاط کشور داشته و به اهداف قابل توجهی در ارتقای توسعه انسانی، فقرزدایی و استقرار عدالت نائل آمده‌است.

به‌رغم این موفقیت‌ها، همان‌گونه که رهبر انقلاب هشدار داده‌اند، «عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش کرده است». به طوری که بیش از یک دهه است که مضیقه‌های شدید بیرونی ناشی از تحریم‌های ظالمانه در کنار سوءتدبیرها در سیاست‌گذاری‌های داخلی، کشور را با معضل‌های بغرنج بزرگی مواجه کرده که امروز در قالب بروز ناترازی بودجه، نظام بانکی، صندوق‌های بازنشستگی، منابع طبیعی و انرژی، در کنار مسأله تورم، اشتغال و افزایش نابرابری و فقر، حرکت در مسیر پیشرفت را دشوار کرده‌اند و راهکارهای بنیادین می‌طلبند. رئیس‌جمهور محترم، دکتر مسعود پزشکیان نیز در همین زمینه تصریح کرده‌اند: «عدالت باید محور همه تصمیم‌گیری‌ها باشد؛ اگر عدالت نباشد، اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی از بین می‌رود. مردم احساس تبعیض می‌کنند و آن‌گاه نظام با چالش مواجه می‌شود».

تداوم این وضعیت از جهت داخلی تاب‌آوری جامعه ایران را به مخاطره افکنده، از رضایت عمومی و امید جوانان کاسته، و در بعد بین‌المللی نیز باعث جا ماندن ایران از رقبای منطقه‌ای و کمرنگ شدن نقش بنگاه‌های ایرانی در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی خواهد شد. در کنار این تهدیدها، خوشبختانه فرصت‌های تاریخی کم نظیری همچون ظرفیت نیروی انسانی جوان تحصیل کرده، تغییر پارادایم فن‌آوری به سمت اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی و نیز وجود منابع بی‌نظیر خدادادی، پیش‌روی اقتصاد ایران است که در صورت فهم صحیح و انجام اصلاحات متناظر برای بهره‌گیری از آن‌ها، نه تنها می‌توان از این بحران‌ها عبور کرد و ایران اسلامی عزیز را به جایگاه واقعی‌اش بازگرداند، بلکه کشور را به محور توسعه در منطقه تبدیل نمود.

در مسیر طراحی و اجرای برنامه‌های تحولی وزارت امور اقتصادی و دارایی، آنچه به این سند انسجام و اثربخشی می‌بخشد، باور به پیوند ناگسستنی رشد و عدالت است. تحقق «رشد عدالت‌محور» نه تنها هدفی آرمانی، بلکه ضرورتی راهبردی برای حفظ تاب‌آوری اجتماعی، کاهش فقر و نابرابری، و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های بالقوه کشور است. آنچه در این برنامه ارائه شده، چارچوبی اجرایی و مبتنی بر اسناد بالادستی برای ایفای نقش فعالانه وزارت امور اقتصادی و دارایی در حرکت کشور به سوی توسعه‌ای متوازن، پایدار و مردمی است.

قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران که با هدف ریل‌گذاری برای رفع یا تخفیف این چالش‌ها به تصویب رسیده، میثاق مشترک دولت و مجلس برای سال‌های پیش‌رو است. این برنامه، با هدف کلی «شکوفایی اقتصاد، همراه با عدالت»، مبنای طراحی برنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گرفته است.

نخ تسبیح تمامی اجزای برنامه نسبت آن‌ها با رشد اقتصادی و گسترش عدالت اجتماعی است، و از تمامی ابزارهای در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی مانند بازارهای مالی، سیاست‌های مالی و مالیاتی، مولدسازی و خصوصی‌سازی، سیاست‌های تعرفه‌ای و سرمایه‌گذاری خارجی به صورت هماهنگ برای توسعه متوازن و همه شمول ایران از طریق افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری و نیز فراهم کردن دسترسی به فرصت‌های برابر برای همه مردم استفاده شده است.

با این رویکرد، این متن نه فقط مجموعه‌ای از اقدامات فنی و اجرایی، بلکه سندی برای بازتعریف نقش وزارت امور اقتصادی و دارایی در اقتصاد کشور است؛ نقشی که از یک نهاد صرفاً ستادی، به نهادی تحول‌آفرین، هم‌راستا با مردم و همراه دیگر ارکان حاکمیت ارتقا می‌یابد. امید است به کمک این برنامه بتوان با همت جمعی، گفت‌وگوی سازنده با فعالان اقتصادی و همکاری نهادهای دولتی و عمومی، گام‌هایی مؤثر در جهت بهبود رفاه مردم، ارتقای بهره‌وری، افزایش سرمایه‌گذاری و اعتلای جایگاه اقتصادی کشور برداشت.

رشد عدالت محور

بخش اول :



تبیین وضع موجود



۱. تبیین وضع موجود

بیش از یک دهه است که متوسط رشد سرانه سالانه کشور به نزدیک صفر رسیده؛ ناترازی‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی تشدید شده و فقر و نابرابری به صورت توأمان افزایش یافته‌است. همچنین کمیت و کیفیت اشتغال، به‌ویژه برای جوانان تحصیل‌کرده و زنان از وضعیت مطلوب، فاصله زیادی گرفته‌است. هر چند برخی از این روندها در سال‌های اخیر در مسیر بهبودی قرار گرفته، اما روندهای مخرب همچنان ادامه دارند. از سوی دیگر، برای اولین بار در تاریخ اقتصاد ایران تورم‌های بالای ۴۰ درصد برای چند سال متوالی تجربه شده‌اند؛ بانک‌ها از تأمین مالی تولید و نیازهای مصرفی خانوار جا مانده‌اند؛ فاصله بین جهش‌های ارزی به دو سال کاهش یافته و ناترازی انرژی به مهم‌ترین عامل محدودکننده تولید تبدیل شده است. به فاصله کمی از دهه ۱۳۹۰، که گویی «دهه از دست رفته» اقتصاد ایران بوده، بیم آن می‌رود که ادامه روند موجود، «دهه از دست رفته» دیگری را نیز برای کشور عزیزمان رقم زند؛ مگر آن‌که تغییر رویکرد جدی در حکمرانی اقتصادی کشور و تحولی شگرف رخ دهد.

در حکمرانی اقتصادی کشور سه رویکرد اصلی طی چند دهه گذشته در عمل پیاده شده که پیامد استمرار آن‌ها در روندهای مشاهده‌شده شاخص‌های اقتصادی رشد، اشتغال، ارزش پول ملی و تورم قابل لمس است:

۱. تصدی‌گری و مداخلات بیش از حد دولت در حوزه اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی در عین تضعیف نقش حیاتی «تنظیم‌گری و توانمندسازی» دولت،

۲. ترجیح رویکرد جایگزینی واردات بر توسعه صادرات و نمود آن در سیاست‌های صنعتی، ارزی و تجاری کشور، و

۳. حمایت‌های نهاده‌محور در مقابل حمایت‌های هدفمند از مصرف‌کننده.

به‌رغم جهت‌گیری‌هایی که در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی برای تغییر این رویکردها تعیین و ابلاغ شده، میزان تحقق اصلاحات نسبت به ریشه‌های عمیق این رویکردها همچنان اندک است. در نتیجه این جهت‌گیری در حکمرانی اقتصادی کشور، مدیریت و مالکیت عمده بنگاه‌های بزرگ اقتصادی هنوز در اختیار مردم و بخش خصوصی نیست؛ منابع و نهاده‌های کشور عادلانه توزیع نشده؛ و عموماً در اختیار شایسته‌ترین و کاراترین تولیدکنندگان قرار نگرفته‌اند؛ انحصار در ساختار بازار برخی از محصولات زیاد و انگیزه برای کاهش هزینه‌های تولید کاهش یافته‌است. پیامد استمرار این رویکردها، پایین بودن سطح بهره‌وری در بخش عمومی و خصوصی و در نتیجه نرخ رشد اندک در اقتصاد ایران است.

همچنین، به دلیل نوع راهبردها و سیاست‌های اتخاذ شده، بیش از ۵ دهه است که اقتصاد ایران بسیار به نفت

وابسته است. بخش بزرگی از درآمدهای دولت از منابع نفتی است و همراه با آن منبسط و منقبض می‌شود. با این وجود، در حالی که مخارج تعهد شده دولت با کاهش درآمدها، کم نمی‌شود با افزایش درآمدها زیاد می‌شود. پدیده‌ای که منجر به کسری بودجه مزمن در اقتصاد ایران شده است.

کسری بودجه مستمر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از منابع بانک مرکزی تأمین شده و از عوامل اصلی رشد نقدینگی بوده است. از اوایل دهه ۱۳۹۰، ناترازی منابع و مصارف بانکی که ناشی از خلق پول بی ضابطه و نظارت ناکافی بر بانک‌ها بوده نیز بر آتش رشد نقدینگی دمیده؛ در نتیجه تورم مزمن را در بلندمدت اقتصاد ایران نهادینه کرده است. تکانه‌های مستمر خارجی نیز انتظارات تورمی مردم و بنگاه‌ها را تحریک کرده و منجر به هجوم آن‌ها به بازارهای دارایی (از جمله ارز) شده است. در نتیجه، به دلیل انفعال نسبی سیاست‌گذار پولی و ارزی، افزایش نرخ و بی‌ثباتی در بازار ارز مستمراً اتفاق افتاده؛ پدیده‌ای که خود محرکی برای افزایش تورم‌های کوتاه‌مدت بوده است.

تلاطم درآمدهای نفتی (ناشی از نوسان قیمت جهانی نفت و تلاطم میزان صادرات نفتی) و وابستگی بخش‌های مختلف اقتصاد به نفت، سبب شده رشد تولید ناپایدار و پرنوسان باشد. این معضل، در کنار تورم‌های مزمن و پرنوسان، اقتصاد کشور را با نااطمینانی بالا و پیش‌بینی‌پذیری پایین همراه کرده؛ در نتیجه، انگیزه برای سرمایه‌گذاری، خلق فن‌آوری و بهبود فرایندهای تولید را کاهش داده و از بهره‌وری اقتصاد ایران کاسته است. «امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است؛ [بهره‌وری] کیفیت محصول را افزایش می‌دهد، بهبود می‌بخشد و محصولات را رقابت‌پذیر می‌کند؛ یعنی در بازارهای جهانی، ما می‌توانیم از این محصولات به عنوان محصولات رقابت‌پذیر استفاده کنیم»^۱.

در نتیجه، هر چند منابع نفتی این امکان را ایجاد کرده که مصرف خصوصی در کشور، با نرخی بالاتر از تولید رشد کند؛ تورم و توزیع ناعادلانه یارانه‌های عظیم پرداختی دولت، نابرابری میان خانوارها را زیاد و ادامه این روند را دشوار کرده، و در نتیجه، «در زمینه عدالت اجتماعی، در زمینه توزیع عادلانه ثروت، در زمینه نابرخورداری طبقات ضعیف و امثال این‌ها»^۲ انتقادهایی ایجاد کرده است. بخشی از این نابرابری، ماهیت جغرافیایی پیدا کرده و دسترسی ناعادلانه استان‌ها به فرصت‌های پیشرفت را رقم زده است.

در چنین شرایطی فشار دشمنان ایران برای تشدید تحریم‌ها، و تلاش آن‌ها برای محدود کردن درآمدهای ارزی صادراتی و نیز کاهش دسترسی به منابع مالی و بیمه‌ای بین‌المللی با هدف تضعیف تولید و کاهش توان دولت برای ارائه کالاهای و خدمات عمومی و نیز ایجاد نااطمینانی نسبت به آینده اقتصاد صورت می‌گیرد. به علاوه، ادامه ناترازی‌های بودجه‌ای و زیان‌ده بودن بانک‌ها که به سبب رکود اقتصادی تشدید شده، همراه با ادامه

فعالیت بانک‌های ناسالم و عدم اصلاح آن‌ها، در شرایط ضعف نظام مالیاتی و مبارزه با پول‌شویی در اعمال حکمرانی ریال، موجب انحراف اعتبارات از تأمین مالی بخش تولید و خانوار به بخش نامولد می‌شود. در نتیجه، هزینه سرمایه‌گذاری زیاد، تمایل به خروج سرمایه تشدید و اقتدار نظام حکمرانی اقتصادی تضعیف می‌شود. بنابراین، با هدف استقرار «رشد عدالت‌محور» مستقل از رفع یا عدم رفع تحریم‌ها ضرورت دارد بهره‌وری حکمرانی اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی کشور افزایش یابد. در غیر این صورت، به دلیل کاهش سطح تولید، درآمد خانوارها و تقاضا برای محصولات بنگاه‌ها کمتر شده و توان دولت برای ایفای وظایف مهم و بدون جایگزین دولت، از قبیل آموزش، بهداشت و امنیت و پرداخت‌های حمایتی برای کاهش فقر و نابرابری، محدودتر می‌شود. تأمین مالی این موارد از محل ایجاد بی‌ضابطه بدهی دولت نیز به تشدید کسری بودجه و در نهایت تورم مضاعف می‌انجامد و مطلوب نیست.

در این بستر اقتصادی، در نبود یک برنامه منسجم و جامع اقتصادی در سطح دولت، اگر هر یک از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی تنها از زاویه دید خود به حل مسأله بپردازند، ممکن است سیاستی اتخاذ کنند که در تصویر کلی اقتصاد شکست بخورد و موثر واقع نشود. در این حالت، اقدام بخش‌های مختلف دولت به جای هم‌افزایی برای حل مسأله یکدیگر را خنثی می‌کنند و بی‌ثباتی در سیاست‌ها و مقررات افزایش می‌یابد.

گزارش‌های اخیر مربوط به شاخص‌های محیط کسب و کار بی‌ثباتی در سیاست‌ها و مقررات را مهم‌ترین عامل محدودکننده تولید نشان می‌دهند. این در حالی است که «کسانی که می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، باید احساس امنیت کنند. اگر احساس امنیت نباشد، کار پیش نمی‌رود؛ ... یکی این است. یکی مسأله ثبات قوانین و مقررات است؛ هر روز مقررات، بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها عوض نشود؛ تا سرمایه‌گذار خاطر جمع باشد که می‌تواند اطمینان کند و سرمایه‌گذاری کند.»^۳ در نتیجه ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اقتصادی کشور یک ضرورت است که می‌تواند با تشکیل «کمیته هماهنگی اقتصادی» در دولت میسر شود.

در شرایط کنونی دو چشم‌انداز کاملاً متفاوت از شرایط بین‌المللی پیش‌رو است. از سویی احتمال تشدید تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی و از سوی دیگر احتمال کاهش تنش‌ها و افزایش تعاملات بین‌المللی و افزایش صادرات نفتی و تجارت و سرمایه‌گذاری متصور هستند. لاجرم تفاوت‌های مهم میان این دو سناریو باعث می‌شود اولویت‌بندی اقدام‌های پیش‌رو متفاوت باشد. لازم است نظام حکمرانی اقتصادی کشور، برای هر دو سناریوی متصور آماده و با برنامه باشد. هر چند می‌توان برای بازه چند ماهه اقتصاد را در فضایی اداره کرد که برای ورود به هر یک از این سناریوها آماده شود؛ اما شرایط تعلیق قابل تداوم نیست؛ و به زودی کشور در مسیر یکی از این سناریوها قرار می‌گیرد. در نتیجه، این آمادگی باید در سه قوه وجود داشته باشد که شرایط جدید را

تشخیص داده و متناسب با آن مناسب‌ترین اقدام‌ها را به صورت فعالانه و هماهنگ انجام دهند. در صورت وقوع هر یک از این دو سناریو، لازم است مجموعه منسجمی از اصلاحات نهادی و اقتصادی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری برای رشد تولید و بهره‌وری، توسعه عدالت و نیز ایجاد ثبات اقتصادی و کاهش پایداری تورم در دستور کار تیم اقتصادی دولت قرار گیرند تا کشور را به هدف «رشد عدالت محور» نزدیک کند. برای مثال اصلاح ساختار بودجه و ارتقای کارایی هزینه‌های دولت، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، اصلاح نظام حکمرانی انرژی و نیز برنامه اصلاح نظام بانکی و ارتقای حکمرانی ریال نقش کلیدی در افزایش ثبات اقتصادی، کاهش تورم و کمک به رشد اقتصادی دارند.

در بسیاری از اصلاحات وزارت امور اقتصادی و دارایی نقش مکمل را بر عهده دارد و راهبر مستقیم اغلب این آن‌ها سایر بخش‌های دولت هستند. با این حال، حوزه‌های اثرگذاری مستقیم این وزارت‌خانه بسیار گسترده است و تحت هر یک از شرایط کلان کشور، می‌تواند با برنامه‌ریزی عملیاتی مناسب، اقدام‌های اثربخش و قابل توجهی را برای افزایش رشد و سرمایه‌گذاری برای تولید، توسعه عادلانه و متوازن فرصت‌ها و ایجاد ثبات اقتصادی رقم زند. اصلی‌ترین اقدامات استفاده از جعبه ابزار گسترده‌ای است که در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار دارد تا زمینه‌ساز ورود مردم و بخش خصوصی در فعالیت‌های مولد و اولویت‌دار اقتصادی باشد. «اگر مردم وارد میدان اقتصاد بشوند، بخصوص اگر وارد میدان تولید بشوند، تولید جهش پیدا می‌کند؛ تولید که جهش پیدا کرد، کشور ثروتمند می‌شود، آحاد مردم ثروتمند می‌شوند، جیب کارگر پُر می‌شود، دست کارگر پُر می‌شود، اشتغال افزایش پیدا می‌کند، بیکاری کم می‌شود و مشکلات فراوان کارگری و اقتصادی در کشور از بین می‌رود. این مسأله اقتصاد است»^۴.

مبتنی بر ریل‌گذاری‌های انجام شده در قانون برنامه هفتم، در چارچوب طرح شده از آسیب‌شناسی و تبیین چارچوب‌های کلی اصلاحات اقتصادی کشور، برنامه‌های پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی طراحی شده‌اند. استفاده موثر، منسجم و سازگار از جعبه ابزار در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی شامل مواردی مانند بانک‌ها و بیمه‌های تحت اختیار دولت، بازار سرمایه، نظام مالیاتی، گمرک، سازمان‌های خصوصی‌سازی، مناطق آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی مهم‌ترین سیاست راهبردی این وزارت‌خانه است. با این نگاه که به کمک این ابزارها انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری با رویکرد صادرات محوری به خصوص در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در کشور بالا رود و «رشد عدالت محور» با حضور حداکثری مردم محقق گردد.

رشد عدالت محور

بخش دوم :



مبانی طراحی برنامه



۲. مبانی طراحی برنامه

مبانی طراحی این برنامه در چارچوب راهبردها، خط‌مشی‌ها و مجوزهایی که مهم‌ترین اسناد بالادستی سیاست‌گذاری اقتصادی تعیین کرده‌اند و رویکردها و اصولی که در طراحی برنامه‌ها پایبندی به آن‌ها رعایت شده، در ادامه ارائه می‌شوند.

۲.۱. اسناد بالادستی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
- سیاست‌های کلی نظام،
- قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)، و قوانین مرتبط، شامل:

- قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها،
- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور،
- قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور،
- قانون برخی احکام مربوط به اصلاح ساختار بودجه کل کشور،
- قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، و
- قانون مالیات‌های مستقیم و قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان.

برنامه هفتم که متأخرترین سند جامع اقتصادی کشور است، به نوعی تصویر اهداف توسعه‌ای به‌روزشده کشور را نشان می‌دهد. برنامه محتوای اسناد بالادستی پیشین را دیده و مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف تدوین شده است. «هدف کلی برنامه‌ی هفتم، شکوفایی اقتصاد، همراه با عدالت است»^۵. خوشبختانه این برنامه محل وفاق دولت و مجلس بوده و از این پس هم می‌تواند محمل مناسبی برای این تعامل سازنده باشد. برنامه هفتم اقدام‌های غالباً اثرگذار را به خوبی فهرست کرده و ریل‌گذاری مناسبی برای مجریان دولت فراهم کرده تا بتوانند در صورت طراحی یک نقشه راه مناسب به اهداف بلند برنامه دست پیدا کنند. بر این اساس، قانون برنامه هفتم، بستر برنامه‌های پیشنهادی برای وزارت امور اقتصادی و دارایی را می‌سازد.

۲.۲. رویکردهای برنامه

بر پایه قانون برنامه هفتم، سیاست‌های کلی نظام و دیگر اسناد بالادستی، مأموریت دولت را می‌توان تحقق «رشد عدالت محور» معرفی کرد. «یکی از مسائل مهم اقتصاد در کشور سرمایه‌گذاری‌های تولیدی است. تولید آن وقتی جهش پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری انجام بگیرد. در آن جایی که مردم یا انگیزه‌ای ندارند یا توانایی سرمایه‌گذاری ندارند، دولت هم می‌تواند در این میدان وارد بشود؛ نه به عنوان رقابت با مردم، بلکه به عنوان جایگزین مردم؛ آنجایی که مردم نمی‌آیند، دولت وارد میدان بشود و سرمایه‌گذاری کند»^۶. در این مسیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی در حوزه‌های تحرک بخشی به سرمایه‌گذاری‌هایی توسعه‌ای، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود محیط کسب و کار و هوشمندسازی دولت نقش بسیار مهمی دارد.

برنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام فعالانه برای تسهیل سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای متوازن خواهد بود؛ به گونه‌ای که این سرمایه‌گذاری‌ها بر مبنای یک برنامه توسعه صنعتی منطبق با سند آمایش سرزمین طراحی و اجرا شوند. «باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود»^۷. برای تحقق این اهداف، وزارتخانه در چارچوب قوانین و مقررات، با طراحی سازوکارهای انگیزشی نظیر معافیت و اعتبار مالیاتی هدفمند، تخفیف حقوق گمرکی، بهبود دسترسی به اعتبارات بانکی و غیربانکی، زمینه لازم برای سرمایه‌گذاری داخلی را بهبود می‌بخشد. همچنین با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، در جهت تسریع توسعه صادرات، انتقال فن‌آوری و ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی هوشمند و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش می‌نماید.

در حوزه بهبود محیط کسب و کار، وزارت امور اقتصادی و دارایی با استفاده از ظرفیت هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار، در جهت کاهش موانع و تسهیل فعالیت بخش خصوصی در کنار سایر دستگاه‌ها ایفای نقش می‌کند. در این بخش، هدف تقویت بنیه بخش خصوصی، کاهش سوءتخصیص‌ها، مردمی‌سازی اقتصاد و فراهم‌سازی زیرساخت‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط است. اصلاح فرایندهای خصوصی‌سازی و خارج شدن دولت از مدیریت بنگاه‌های اقتصادی دیگر رویکرد کلیدی در این حوزه است.

اصلاح ساختار شبکه بانکی با محوریت بهبود ترانزاکشن بانک‌های دولتی، ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها و شرکت‌های دولتی، کمک به تجهیز منابع مالی برای بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و پروژه‌های ملی از طریق توسعه بازارها و ابزارهای مالی مانند روش‌های تأمین مالی زنجیره‌ای، و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان از مرحله تولد تا پذیرش در بازار سرمایه، از دیگر حوزه‌هایی است که وزارت امور اقتصادی و دارایی در آن‌ها نقش اصلی را بر عهده دارد.

همچنین توسعه عدالت مالیاتی از طریق تسهیل و هوشمندسازی فرایندهای مالیات‌ستانی و گمرکی با هدف افزایش شفافیت، کاهش فساد و نیز بهره‌وری بنگاه‌ها، و افزایش دسترسی عموم مردم و بنگاه‌های اقتصادی به منابع مالی، از اولویت‌های اصلی وزارتخانه در چارچوب اجرای جهت‌گیری‌های کلی دولت است. با عنایت به بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه هفتم پیشرفت و ظرفیت‌های نهادی وزارتخانه در این جهت، دیپلماسی اقتصادی فعالانه و پیشبرد برنامه‌های همکاری اقتصادی و سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای همسایه و همسو، از دستور کارهای اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

بر این اساس، رویکردهای برنامه حاضر به شرح زیر است:

۱. تمرکز بر بخش‌های مغفول «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» و قانون اجرای آن: با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پنجره امیدی گشوده شد مبنی بر این که نظام تصمیم‌گیری به این جمع‌بندی رسیده که از تصدی افراطی دولت در فعالیتهای اقتصادی به سمت استفاده از ظرفیتهای مردمی و بخش خصوصی حرکت نماید. با این حال، «در گذشته، ضعف‌های زیادی در این زمینه وجود داشته»^۸، واگذاری شرکت‌ها و دارایی‌های دولتی به گونه‌ای انجام شد که کماکان مدیریت بیش از ۸۰ درصد از ارزش بخش شرکتی کشور در دست دولت یا نهادهای عمومی غیردولتی باقی مانده است. از آنجاکه با توجه به شواهد پیشین، این ساختار مالکیتی نمی‌تواند رشد بالا از طریق افزایش بهره‌وری را محقق کند، لازم است برای بهبود شرایط، بازنگری در فرایندهای تصمیم‌گیری و شفافیت عملکرد شرکت‌های مربوطه و همچنین واگذاری حق مدیریت، با توجه به اصول حاکمیت شرکتی و حداقل رساندن تعارض منافع، در دستور کار قرار بگیرد. همچنین فرایندهای خصوصی‌سازی و واگذاری‌ها بازنگری شود تا آسیب‌های پیشین تکرار نشوند.

۲. دیپلماسی فعال اقتصادی معطوف به توسعه صادرات: هرچند این مورد در بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسعه صادرات هدف‌گذاری شده، در عمل، سیاست‌گذاری‌ها این هدف را در حد مطلوب محقق نکرده است. این رویه بازنگری اساسی در سیاست‌های ارزی و تجاری کشور، نظام تعرفه‌گذاری و ضوابط حاکم بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را جهت صادرات محور کردن این مناطق و جذب سرمایه‌ها و فن‌آوری طلب می‌کند. به علاوه، با عنایت به بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه هفتم پیشرفت مبنی بر «تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان»، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اعتباری که نقطه کانونی تعاملات اقتصادی ایران با سایر کشورها و مجامع اقتصادی بین‌المللی است و همچنین مسئولیت دبیری کمیسیون‌های مشترک توسعه روابط اقتصادی

دوجانبه با کشورهای مهمی نظیر چین را بر عهده دارد، ظرفیت مناسبی برای تحقق این هدف فراهم کرده است.

۳. توسعه اقتصاد هوشمند: ظرفیت‌های تحول فن‌آورانه سه ضلع دارد: ۱. فن‌آوری‌های همگرا، شامل فن‌آوری اطلاعات، فن‌آوری زیستی، فن‌آوری نانو و علوم شناختی، ۲. انرژی‌های تجدیدپذیر و ۳. انقلاب هوش مصنوعی.

سرمایه‌گذاری روی این فن‌آوری‌ها می‌تواند به توانمندسازی کشور اعم از دولت و بخش خصوصی کمک کند. در راستای ارتقای کیفیت حکمرانی، اتخاذ رویکرد هوشمندسازی و تحول دیجیتال می‌تواند با کاهش نقش اشخاص، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی نظام حکمرانی را تقویت کند. به طور خاص، در حوزه هوش مصنوعی می‌توان فعالیت‌هایی که دولت با هزینه‌های بالا انجام می‌داد را با هزینه بسیار کمتری پیش برد. به علاوه، گسترش اقتصاد دیجیتال در بخش خصوصی منجر به افزایش قابل توجه بهره‌وری اقتصادی می‌شود که می‌تواند یکی از پیشران‌های اقتصادی برای بهره‌گیری از ظرفیت حداکثری نیروی انسانی تحصیل کرده کشور باشد.

۴. اصلاح نظام تأمین مالی و گسترش دسترسی مالی: نظام بانکی، بازار سرمایه و دیگر بازارهای مالی کشور، به دلیل ضعف تنظیم‌گری و نظارت و نیز مداخلات نابجا دچار آسیب‌های جدی است؛ توان تأمین مالی تولید و فعالیت‌های اولویت‌دار توسعه‌ای مناسب نیست و دسترسی آحاد مردم و بنگاه‌های اقتصادی به اعتبارات بانکی با وضعیت مطلوب فاصله دارد. در این راستا تسریع در انجام تکالیف ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت و همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی با بانک مرکزی به عنوان متولی اصلاح نظام بانکی و پیگیری اقدامات اصلاحی در بانک‌های تحت مدیریت این وزارتخانه ضروری است. به علاوه، رفع اصطکاک‌های موجود در بازارهای سرمایه و بیمه می‌تواند به سرعت به هدایت پس‌اندازهای مردم به سمت سرمایه‌گذاری‌های اساسی در کشور کمک کند.

۵. یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و یارانه‌ای: نبود نظام مالیات بر مجموع درآمد خانوار (PIT) و پراکندگی اطلاعات درآمدی، باعث شده کارایی دولت در هدفمند کردن یارانه‌ها و توزیع منابع حمایتی محدود اندک باشد. هم‌زمان، متوسط سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه عمومی کشور پایین و ناپایدار باقی مانده است. در این راستا، اصلاح هم‌زمان نظام حمایتی و مالیاتی در قالب یک طرح یکپارچه، با تشکیل پایگاه اطلاعات درآمدی دقیق ذیل ساختار دولت الکترونیک، یک ضرورت است.

در طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاحی، تأکید بر اقدامات تدریجی و همراه‌سازی مردم و خبرگان راهبردی اصلی به شمار می‌رود. در این چارچوب، باید از اتخاذ سیاست‌های شوک‌درمانی و نیز غافل‌گیری اقتصادی اجتناب شود

و همراهی و مشارکت مردم، به عنوان پیش شرط موفقیت اصلاحات اقتصادی در نظر گرفته شود. تجربه های گذشته نشان می دهد هرگاه به کسب و کارها و معیشت مردم بدون آمادگی لازم آسیب وارد شود، اصلاحات اقتصادی با شکست مواجه خواهد شد. استقرار حکمرانی شاهد محور نیز به توانمندسازی دولت، طراحی و اجرای نظام حکمرانی مناسب برای تحلیل مسأله و تصمیم سازی، سیاست گذاری و طراحی نقش آفرینی، راهبری و تنظیم گری، هماهنگی نهادی، اجرای سیاست ها و پایش و ارزیابی نتایج کمک می کند. به علاوه برای پیشبرد هرگونه اصلاحات، تعامل با مردم و «گفتمان سازی» در مورد ریشه های مسأله و ابعاد و پیامدهای راه حل ضروری است.

۲.۳. اصل های کلی

طراحی برنامه بر پایه ۷ جهت گیری و اصل انجام شده و وزارت امور اقتصادی و دارایی در فرایندهای اجرایی به این اصول پایبند خواهد بود:

۱. پاسداری از معیشت مردم: هدف غایی ارتقای رشد اقتصادی و کنترل تورم، بهبود معیشت مردم و رفاه اجتماعی است. در نتیجه، نمی توان هدف را فدای راهبرد کرد. در انتخاب راهبردهای اقتصادی، به خصوص اصلاحات اقتصادی، تصمیم هایی که سفره خانواده را کوچک، و امید جوانان به این سرزمین را کم فروغ کند، از دستور کار خارج است. حمایت مؤثر از معیشت مردم به خصوص اقشار آسیب پذیر و صیانت از سطح رفاه آنان، از اصول بنیادینی است که در برنامه ریزی های وزارت امور اقتصادی و دارایی باور به آن وجود دارد. همچنین با توجه به نوسانات موجود در فضای اقتصادی، بهره گیری مؤثر از ظرفیت های قانونی برای ثبات بخشی به اقتصاد کلان و طراحی برنامه عملیاتی منطبق بر سناریوهای مختلف برای مواجهه با آینده، به عنوان رکن اصلی افزایش پیش بینی پذیری و کاهش نااطمینانی دنبال می شود.

۲. توانمندسازی مردم و بخش خصوصی: توانمندسازی مردم و ارتقای نقش آفرینی فعال بخش خصوصی و تعاونی ها در طراحی و اجرای برنامه ها به صورت مؤکد مورد توجه است؛ زیرا تنها توسعه ای پایدار می ماند که با مشارکت واقعی بازیگران اقتصادی و اجتماعی شکل گیرد.

نگاه وزارت امور اقتصادی و دارایی به توسعه، منطقه ای و مبتنی بر شناسایی و توانمندسازی ظرفیت های محلی است. بر همین اساس، استفاده از ظرفیت نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی برای شناسایی ظرفیت های منطقه ای در گستره کشور، به کارگیری نخبگان و جوانان شایسته، همراهی دانشگاه ها و مشاوران محلی در تدوین و اجرای برنامه ها، حمایت از طرح های عمرانی با مشارکت فعال سرمایه گذاران بخش خصوصی و توسعه صنعتی بر پایه آمایش سرزمینی با اولویت بالا در دستور کار قرار دارد.

۳. انسجام و یکپارچگی دستگاه‌های اقتصادی: در چارچوب حکمرانی کارآمد، و برای جلوگیری از گسست میان ایده و اجرا، استقرار نظامی منسجم، هماهنگ و یکپارچه برای تحلیل مسائل، تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، هماهنگی نهادی، اجرای سیاست‌ها و ارزیابی مستمر نتایج، به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در دستور کار قرار دارد. در این راستا، تلاش می‌شود تحلیل شرایط اقتصادی کشور، ترتیب‌بندی اولویت‌ها و تدبیر امور با هماهنگی کامل با سایر دستگاه‌های اقتصادی به‌ویژه سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی انجام گیرد و هماهنگی فرابخشی، پیش شرط اجرای اقدامات باشد.

در فرایند تصمیم‌گیری، حفظ استقلال نظر و ثبات رأی تا زمان جمع‌بندی نهایی تصمیم‌ها، اصل راهنما است. اما پس از اتخاذ تصمیم جمعی، پایبندی کامل به نتایج تصمیم‌گیری و الزام مجموعه‌های تحت مدیریت به تبعیت از آن، در دستور کار قرار دارد تا انسجام اجرایی و وحدت رویه در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور حفظ شود.

۴. شفافیت و فسادستیزی: با توجه به ماهیت فعالیت‌های سازمان‌های مالیاتی، خصوصی‌سازی، گمرک و سرمایه‌گذاری خارجی در مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی، این نهادها به‌طور طبیعی در معرض تهدید فساد مالی از سوی لابی‌گران و صاحبان منافع خاص قرار دارند. در عین حال، عملکرد مدیران و کارکنان شریف و پاک‌دست این سازمان‌ها، که با وجود محدودیت‌های معیشتی، پرچم سلامت مالی را برافراشته نگاه داشته‌اند، شایسته تقدیر و احترام است. با این حال مبارزه، مقابله و ریشه‌کنی زمینه‌های ایجادکننده فساد امری اجتناب‌ناپذیر است. مبارزه مؤثر با فساد صرفاً از مسیر افزایش اختیارات نهادهای نظارتی یا گسترش شبکه‌های بازرسی حاصل نمی‌شود. فسادستیزی واقعی نیازمند اقدامات پیشینی و بازدارنده است، که در کنار برخوردهای قضایی پسینی، می‌تواند کمک به از بین رفتن فساد اقتصادی کند.

چنان که در بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز تأکید شده، شفافیت در فرایندها و پاسخ‌گویی مستمر از جمله مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری از فساد به شمار می‌روند. همچنین، تجربه‌های جهانی و مطالعات صورت‌گرفته در حوزه اقتصاد بخش عمومی نشان می‌دهند اقتصادهای رانتی دیر یا زود به فساد فراگیر دچار می‌شوند. در این راستا، خشکاندن ریشه رانت از طریق عبور تدریجی از اقتصاد دستوری و بسته، به سمت اقتصادی مردمی و مبتنی بر سازوکارهای انگیزشی و در عین حال متکی بر دولتی توانمند و چابک که نقش بازی‌ساز و ناظر را بازی می‌کند، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۵. مدیریت فعال و چابک: در عرصه سیاست‌گذاری، موفقیت در گرو اتخاذ بهترین تصمیم‌ها بر مبنای شرایط واقعی و در حال تغییر کشور است. سیاست‌گذار مؤثر باید از انعطاف لازم برای تطبیق با شرایط برخورداری باشد؛ به گونه‌ای که با رصد مداوم تحولات محیطی و شناسایی نقاط عطف، بتواند تصمیم‌های خود را

متناسب با مقتضیات جدید بازنگری و اصلاح کند. شرایط پویا و متغیر کشور، ایجاب می‌کند که بر تصمیماتی که ارتباط خود را با واقعیت‌های روز از دست داده‌اند، اصرار نشود. پایبندی به اصول، باید با آمادگی برای بازنگری در تدابیر اجرایی در مواجهه با تغییرات همراه باشد تا سیاست‌گذاری کارآمد، واقع‌بینانه و منعطف تضمین شود.

۶. **مدیریت انتظارات:** متغیرهای اقتصادی برآیند مولفه‌های عینی و ذهنی هستند. لذا سیاست‌گذار موظف است با راهبردهای هوشمندانه و پیش‌دستانه‌ی ارتباطی و ارسال علائم صحیح، نااطمینانی آحاد اقتصادی را کاهش دهد. وزارت امور اقتصادی و دارایی به شفافیت در سیاست‌ها و تدابیر وزارتخانه (جز در موارد محرمانه)، پرهیز از اقدامات و تصمیمات غافلگیرکننده و کاهش نااطمینانی‌های سیاسی، پایبند خواهد بود.

۷. **پیوند دیپلماسی اقتصادی و سیاسی:** بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه هفتم پیشرفت، بر «تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان» تأکید دارد. گسترش ارتباطات اقتصادی با دیگر کشورها بر پایه منافع ملی متقابل، از ابزارهای مهم تاب‌آوری تولید از طریق جایگیری بنگاه‌های اقتصادی در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی، انتقال فن‌آوری، ارتقای کیفیت تولید و ایجاد فرصت‌های جدید برای کشور است. در این مسیر دیپلماسی سیاسی و اقتصادی در طول یکدیگر قرار دارند؛ اولی اعتمادسازی می‌کند و قوانین و اقدامات ویژه برای رسیدن به اهداف مذاکرات تجاری را تعیین می‌کند تا دومی از فرصت‌ها بهره‌برداری کند. وزارت امور اقتصادی و دارایی باید آماده باشد تا فرصت‌های بالقوه سرمایه‌گذاری خارجی را از طریق طراحی بسته‌های جذاب سرمایه‌گذاری، ارائه تضمین‌های حقوقی، کاهش موانع مقرراتی و ایجاد تسهیلات مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی به فعلیت برساند. هم‌زمان، باید با استفاده از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، زمینه ایجاد توافقات دوجانبه در حوزه‌های مالی، بانکی، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری را فراهم کند تا موانع ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی کاهش یابد. تنها با ترکیب هوشمندانه دیپلماسی سیاسی و اقتصادی می‌توان به تاب‌آوری اقتصادی پایدار دست یافت و کشور را در برابر شوک‌های بیرونی مقاوم ساخت.

رشد عدالت محور

بخش سوم :



اهم برنامه های وزارت
امور اقتصادی و دارایی



۳. اهم برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی

تحقق رشد عدالت محور، نیاز کشور برای پرهیز از بروز یک «دهه از دست رفته» دیگر است. رشد اقتصادی بدون استقرار عدالت اجتماعی پایداری لازم را ندارد و تحقق عدالت بدون افزایش ظرفیت‌های تولید ملی با خطر فرسایش مواجه می‌شود. «رشد ۸ درصد اقتصاد در یک سال معجزه نمی‌کند بلکه باید استمرار داشته باشد و عوائد آن عادلانه تقسیم شود تا در زندگی مردم اثر محسوس داشته باشد»^۹ و «رفع فقر و مشکلات معیشتی مردم و تأمین رفاه و آسایش آنان، بدون رشد اقتصادی علاج‌پذیر نیست»^{۱۰}. بر این اساس، برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی بر پایه پیوند این دو هدف راهبردی، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، طراحی شده‌اند.

سرمایه‌گذاری

برای افزایش رشد، باید کمیت و کیفیت سرمایه‌گذاری برای تولید افزایش یابد؛ به علاوه، رشد بالای مستمر باید با افزایش بهره‌وری همراه باشد.

«البته رشد اقتصادی به تنهایی هم کافی نیست؛ یعنی برای اینکه در وضع زندگی مردم و معیشت مردم و طبقات ضعیف یک تحوّل صورت بگیرد، صرفاً رشد اقتصادی کافی نیست، بلکه چیزهای دیگری هم لازم است: برابری فرصت‌ها برای دستیابی به امکانات؛ از جمله کارهای بسیار مهم است؛ برای مشارکت، امکانات در سطوح مختلف به نحو صحیح و عادلانه‌ای تقسیم بشود»^{۱۱}. لازمه عدالت محور بودن رشد، دسترسی به فرصت‌های برابر اشخاص و کسب و کارها به زیرساخت‌های توسعه‌ای در همه گستره جغرافیایی کشور است. برای تحرک بخشی به رشد، تقویت سرمایه‌گذاری برای تولید در حوزه سرمایه فیزیکی و پژوهش و نوآوری، محور اصلی اقدام در وزارت امور اقتصادی و دارایی بازننگری و جهت‌دهی به سازوکارهای مالیاتی، ضوابط تجاری و تأمین مالی است.

تأمین مالی تولید از چهار مسیر اصلی پیگیری می‌شود: نخست، بازآرایی شبکه بانکی به منظور تأمین مالی سالم، باثبات و هدفمند در جهت افزایش تولید؛ دوم، توسعه بازار سرمایه برای تجهیز منابع؛ سوم، گسترش صنعت بیمه با هدف پوشش ریسک‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری، کسب و کارها و همچنین حوزه‌های معیشتی و اجتماعی؛ و چهارم فعال کردن مشارکت عمومی- خصوصی که بتواند منابع دولت را برای ایجاد و بازسازی زیرساخت‌های عمومی کشور جهت رسیدن به اهداف فوق و توانمندسازی بخش خصوصی اهرم کند. هم‌زمان، توسعه تعاملات بین‌المللی با تمرکز بر انتقال فن‌آوری و فعال‌سازی کریدورهای تجاری و جذب سرمایه خارجی، به عنوان ابزاری برای پشتیبانی از رشد پایدار در دستور کار قرار خواهد داشت.

در این چارچوب، وزارت امور اقتصادی و دارایی که اصلاح نظام بانکی را شرط لازم برای تحقیق سرمایه‌گذاری برای تولید و در نتیجه تحرک بخشی به رشد می‌داند، در بانک‌های تحت مدیریت خود، پیشبرد بندهای مرتبط را قویاً پیگیری می‌کند و در سایر موارد هم در نقش عضو حقوقی هیأت عالی، به همکاری فعالانه با بانک مرکزی می‌پردازد. برای تسهیل دسترسی کسب‌وکارها به اعتبار، توسعه تأمین مالی زنجیره‌ای را در دستور کار قرار می‌دهد و با تمیز کردن ترازنامه بانک‌ها از دارایی‌های منجمد از طریق انتشار اوراق مبتنی بر دارایی و مبتنی بر وام مسکن، در جهت تسهیل فرایند تأمین مالی اقدام می‌کند.

بهره‌وری

در کنار این اصلاحات و در راستای اجرای بندهای ۱۰ و ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر تسهیل فرایندهای تجارت خارجی، ارتقای کارآمدی گمرک، بازاریابی نقش مناطق آزاد به عنوان پیشران صادراتی، حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و کاهش جذابیت فعالیت‌های غیرمولد با ابزارهای مالیاتی در چارچوب قانون تأکید می‌شود. این اصلاحات، علاوه بر بهبود شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تجارت بین‌الملل را گسترش می‌دهد و از آن طریق بر افزایش بهره‌وری نیز موثر است.

بهره‌وری اقتصاد را می‌توان از طریق بهبود محیط کسب‌وکار، توانمندسازی مردم، توانمندسازی دولت و اجرای اصلاحات اقتصادی داخلی و گسترش تجارت ارتقا داد. در این راستا، وزارت امور اقتصادی و دارایی در مشارکت با سایر نهادهای دولتی و حاکمیتی برای پیشبرد اصلاحات مالی و بودجه‌ای، بانکی و حمایتی فعالانه ظاهر می‌شود. خصوصی‌سازی و مولدسازی دارایی‌های دولت در این برنامه به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی ارتقای بهره‌وری و تقویت تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، اصلاح فرایندهای واگذاری با هدف جلوگیری از تکرار تجربه‌های ناکام گذشته، افزایش شفافیت، ارتقای رقابت‌پذیری و صیانت از منافع عمومی در اولویت قرار دارد. همچنین، مولدسازی به عنوان رویکرد مکمل، نه صرفاً در فروش دارایی‌ها، بلکه در بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های راکد و نیمه فعال دولت دنبال می‌شود. در این چارچوب، استفاده هدفمند از منابع حاصل از مولدسازی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کلیدی و تقویت توان مالی دولت، با محوریت عدالت منطقه‌ای و رشد فراگیر اقتصادی، از جمله اهداف اصلی است. به علاوه، استقرار اصول حاکمیت شرکتی در بنگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی برای کاهش تعارض منافع و افزایش کارایی مدیریتی در دستور کار وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار دارد.

افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیازمند توسعه زیرساخت‌های کلیدی نظیر حمل‌ونقل،

شبکه‌های ارتباطی، فن‌آوری اطلاعات و انرژی است. دولت با سرمایه‌گذاری هدفمند در این حوزه‌ها، بستر لازم برای کاهش هزینه‌های تولید، ارتقای رقابت‌پذیری و تسریع رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. تأسیس بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیز بانک‌های توسعه‌ای بخشی، موضوع بند چ ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت، زمینه‌ساز این سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی است، که بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار دارد. توسعه نیروی انسانی متخصص از دیگر ارکان تحقق رشد و افزایش بهره‌وری است. در این زمینه، تحرک بخشی به اقتصاد دیجیتال و گسترش زیرساخت‌های اقتصاد هوشمند از راهبردهای اصلی به شمار می‌روند. توسعه اقتصاد دیجیتال مبتنی بر هوش مصنوعی و ظرفیت شرکت‌های دانش بنیان، فرصتی بی‌بدیل برای ارتقای صادرات، افزایش بهره‌وری صنعتی و کشاورزی، گسترش اشتغال، تسهیل سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های دولت فراهم می‌کند. این تحول می‌تواند با خلق ثروت مبتنی بر دانش، جایگزین مناسبی برای الگوی سنتی وابسته به منابع طبیعی باشد.

عدالت اجتماعی

«رشد عدالت محور» بسیار فراتر، مردمی‌تر، ارزش‌مدارانه‌تر و کریمانه‌تر از پایبندی صرف به غیرتورمی بودن رشد است. برابری فرصت‌ها برای دستیابی به امکانات، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای این حوزه است. در عدالت محوری، فراتر از دایره محدود اقتصاد کلان، برای دسترسی برابر آحاد اقتصادی به فرصت‌ها، عدالت مالیاتی، شمولیت مالی و اعتباری، شفاف‌سازی مناسبات حقوقی و مالی در حوزه عمومی و شرکت‌های دولتی، و شناسایی و پاسداشت حق برابر برای شهروندان تلاش می‌شود. در بُعد عدالت، تمرکز بر فراهم کردن دسترسی برابر به فرصت‌های مالی (شمول مالی بیمه‌ای و اعتباری)، همراه با حرکت به سمت عدالت مالیاتی و یکپارچه سازی نظام مالیاتی و یارانه‌ای، در اولویت قرار دارند. شفافیت اطلاعات، به عنوان رکن بنیادین عدالت اقتصادی، از طریق انتشار دقیق اطلاعات بودجه‌ای، شفاف‌سازی فرایندهای مدیریتی، و افشای عملکرد شرکت‌ها و بانک‌های دولتی دنبال می‌شود. این اقدامات، ضمن تقویت اعتماد عمومی، بستر لازم برای پاسخگویی نهادهای عمومی را فراهم می‌کند.

در این چارچوب، هر استان نیازمند برنامه توسعه‌ای مستقلی متناسب با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خاص خود و مبتنی بر مشورت و مشارکت نمایندگان و نخبگان همان استان و با لحاظ ظرفیت‌های ایجاد شده در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت است. این برنامه‌ها باید مبتنی بر مزیت‌های نسبی مشخص شده در سند آمایش سرزمین باشد و سرمایه‌گذاری‌ها به گونه‌ای هدایت شوند که این مزیت‌ها را بالفعل سازند. تحقق این

هدف، مستلزم هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف اجرایی با نقش مستقیم سازمان برنامه و بودجه و همراهی فعال وزارت امور اقتصادی و دارایی، به‌ویژه در زمینه تنظیم سازوکارهای مالیاتی و تعرفه‌ای و ارتقای نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، خواهد بود.

به طور خلاصه چارچوب سیاستی ترسیم‌شده در سند حاضر، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی را به‌عنوان دو رکن مکمل در مسیر پیشرفت کشور مدنظر قرار داده و نگاهی واقع‌بینانه، آینده‌نگر و مردم‌محور به سیاست‌گذاری اقتصادی ارائه می‌دهد. در ادامه این بخش، نمایی از چارچوب کلی برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی را در رد ۱۲ زیرفصل اصلی، استای تحقق این اهداف ارائه می‌دهد.

۳.۱. توسعه بازار سرمایه و ارتقای نظام تأمین مالی تولید

اقتصاد ایران برای مردمی شدن و گذار به الگویی پایدارتر و متکی بر ظرفیت‌های داخلی، نیازمند تحولی بنیادین در نظام تأمین مالی و سرمایه‌گذاری برای تولید است و در این راستا گام‌های مؤثری در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت برداشته شده است. بازار سرمایه در این مسیر، نقشی محوری ایفا می‌کند. برنامه هفتم پیشرفت، با هدف تحقق رشد ۸ درصدی و در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نگاه ویژه‌ای به گشودن مسیرهای تأمین مالی از طریق بازار سرمایه دارد؛ مسیری که می‌تواند بدون ایجاد تورم، منابع مورد نیاز برای پروژه‌های مولّد و زیرساختی را تأمین کند.

توسعه بازار سرمایه، علاوه بر تجهیز منابع مالی، با افزایش شفافیت و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر سرمایه‌گذاری برای آحاد مردم، به تحقق عدالت اقتصادی کمک می‌کند. در دو دهه گذشته، بازار سرمایه ایران با توسعه زیرساخت‌ها و تنوع ابزارهای مالی، به یکی از ارکان مهم تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد بدل شده است. تحقق این هدف، مستلزم ایجاد ثبات اقتصادی پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها است.

اهداف کلان در حوزه بازار سرمایه به صورت زیر تعریف شده‌اند:

۱. افزایش سهم بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و سرمایه‌گذاری‌های مولّد،
۲. گسترش بازار بدهی به نسبت تولید ناخالص داخلی با تسهیل انتشار اوراق شرکتی افزایش نسبت بازار بدهی به تولید ناخالص داخلی،
۳. ارتقای حاکمیت شرکتی و شفافیت اطلاعاتی،
۴. تسهیل ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به بازار سرمایه،
۵. طراحی سازوکارهای سرمایه‌گذاری ارزی،

۶. حمایت از حقوق سهام‌داران به ویژه سهام‌داران خرد،
 ۷. گسترش بورس انرژی و ایجاد بازارهای متنوع حامل‌های انرژی،
 ۸. جایگزین کردن رویکرد هم‌افزایی میان بازار پول و بازار سرمایه به جای رویکرد رقابت،
 ۹. فراهم کردن زمینه تأمین مالی بازار مسکن و کمک به خانه‌دار شدن مردم از طریق تقویت زمینه‌های تأمین مالی مسکن از بازار سرمایه، و
 ۱۰. تلاش برای تقویت دادگاه‌ها و نهادهای حقوقی تخصصی بازار سرمایه به عنوان یکی از مهم‌ترین الزامات رشد و توسعه این بازار.
- جهت نیل به اهداف مدنظر، رویکردهای کلیدی در تنظیم‌گری و حکمرانی بازار سرمایه به شرح زیر است:
۱. کاهش موانع و محدودیت‌های حاکم بر بازار و نهادهای فعال در بازار.
 ۲. تحول در رویکرد تنظیم‌گری از شاخص‌محوری به شفافیت‌محوری: این تحول به معنای گذار از تمرکز صرف بر شاخص‌های کمی به سوی کیفیت افشا، پاسخگویی هیئت‌مدیره‌ها، مدیران اجرایی شرکت‌ها و حمایت فعال از حقوق تمام سهامداران، به ویژه سهامداران خرد، است تا اعتماد عمومی به بازار تقویت شود.
 ۳. بازنگری در ساختار حکمرانی شرکتی با رویکرد عدالت‌محوری و حمایت از حقوق تمامی سهامداران، نه فقط سهامداران عمده: اطمینان از اینکه منافع سهامداران عمده، حقوق قانونی و منافع سهامداران اقلیت را تضییع نکند، امری ضروری برای عدالت و کارایی بازار است.
 ۴. انتقال از نظام نظارت پیشینی و محدودکننده به چارچوب رقابتی مبتنی بر خودتنظیمی نهادهای مالی (SROs): این انتقال تحت نظارت عالی سازمان بورس، می‌تواند به افزایش کارایی، سرعت عمل و نوآوری در بازار کمک کند، ضمن اینکه بار نظارتی مستقیم را نیز کاهش می‌دهد.
 ۵. توسعه هم‌زمان و متوازن بازار سهام و بازار بدهی برای ارتقای کارایی کل نظام مالی کشور: توسعه هماهنگ بازار سهام و بازار بدهی برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع تأمین مالی بنگاه‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر و پروژه‌های گوناگون ضروری است و از تمرکز نامتوازن ریسک در یک بخش جلوگیری می‌کند.

جهت نیل به اهداف با رویکردهای بیان شده، همراستا با محتوای مواد ۳، ۵، ۴۳، ۴۴ و ۴۶ برنامه هفتم پیشرفت، برنامه‌های زیر در ۴ دسته کلان راهبردی در دستور کار قرار می‌گیرند:

الف) توسعه و تعمیق ابزارها و بازارها

۱. کاهش هزینه‌های تأمین مالی از طریق بازار سرمایه با تسهیل فرایند انتشار اوراق بدهی و افزایش سرمایه شرکت‌ها: در شرایط تورمی بالا و لزوم رقابت‌پذیری، کاهش هزینه تأمین مالی در بازار سرمایه نسبت به بازار پول اهمیت حیاتی دارد.

۲. ایجاد بازار اختصاصی برای عرضه اوراق بدهی به سرمایه‌گذاران نهادی با هدف تقویت بازار اولیه و افزایش عمق معاملات.

۳. راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بازارگردان‌های هوشمند برای بهبود نقدشوندگی اوراق بهادار: این ابزارها نقش مهمی در افزایش نقدشوندگی به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران خرد در ایران دارند.

۴. ایجاد سازوکارهای عرضه خصوصی اوراق بدهی و سهام با هدف تأمین مالی پروژه‌های بزرگ زیرساختی.

۵. تسهیل فرایندی ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به بازار سهام با ایجاد سازوکارهای مناسب این دسته از شرکت‌ها و هدف‌گذاری برای ورود حداقل سه شرکت در جمع سی شرکت بزرگ بورسی از حوزه نوآوری،

۶. راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی با تمرکز بر پروژه‌های بالادستی نفت و گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر با توجه به نیازهای استراتژیک کشور (عملیاتی‌سازی بخشی از هدف کلان ۵)،

۷. توسعه ابزارهای مشتقه، بیمه‌ای و پوشش ریسک برای ارتقای مدیریت ریسک در بازار: نیاز مبرم به این ابزارها برای مدیریت نوسانات شدید قیمت‌ها (سهام، کالا، ارز) در اقتصاد ایران وجود دارد.

۸. توسعه ابزارهای بورس انرژی به‌ویژه بازار برق برای کمک به حل ناترازی انرژی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، و

۹. توسعه ابزارهای تأمین مالی حوزه مسکن در بازار سرمایه با تقویت صندوق‌های املاک و مستغلات و تسهیل انتشار اوراق با پشتوانه املاک.

ب) ارتقای شفافیت، کارایی و حکمرانی

۱۰. شفاف‌سازی و دیجیتالی‌سازی فرایندهای افزایش سرمایه و پذیرش شرکت‌ها در بازار سرمایه،

۱۱. توسعه نهادهای مالی جدید و تسهیل صدور مجوز برای شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، سبدگردان و بازارگردان‌ها،

۱۲. پیگیری فعالانه قانون افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و نهادهای عمومی غیر دولتی در سامانه کدال،

۱۳. مدیریت تعارض منافع در نهادهای مالی از طریق مقررات جدید و ساختارهای حاکمیتی مستقل، و

۱۴. تنظیم زمان‌بندی انتشار اوراق دولتی متناسب با شرایط نقدینگی بازار برای جلوگیری از اختلالات در بازار اولیه، با توجه به سابقه «اثر ازدحامی» انتشار اوراق دولتی بر تأمین مالی بخش خصوصی.

ج) تسهیل تأمین مالی و جذب سرمایه

۱۵. اعطای معافیت‌های مالیاتی به نهادهای واسطه بازار سرمایه از جمله صندوق‌های پروژه و صندوق‌های زمین و ساختمان،

۱۶. اعطای مجوز به بانک‌ها برای تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار در بازار سرمایه، و

۱۷. تشکیل جلسات منظم شورای ملی تأمین مالی برای ایجاد هماهنگی میان بازار پول، سرمایه و بیمه براساس ماده ۲ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها.

د) تعاملات بین‌بخشی و بین‌المللی

۱۸. ارتباط منسجم بین بازار سرمایه و بازار پول (بانک‌ها) و بازار اوراق بهادار کوتاه‌مدت: لزوم هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی برای جلوگیری از آربیتراژهای مخرب و ایجاد جریان با ثبات منابع بین دو بازار حیاتی است.

۱۹. بین‌المللی‌سازی بازار سرمایه ایران از طریق جذب سرمایه‌گذاران خارجی و پیوستن به نهادهای بین‌المللی مالی: با توجه به چالش‌های تحریمی، تمرکز گام اول بر جذب سرمایه از کشورهای همسو و منطقه و همچنین ایرانیان خارج از کشور خواهد بود.

۳.۲. ارتقای نظام تأمین مالی تولید و مشارکت در برنامه اصلاح نظام بانکی

چنان‌که در بند الف از ماده ۳ قانون برنامه هفتم تصریح شده، برنامه تأمین مالی، شامل تجهیز منابع از داخل و بیرون اقتصاد و تخصیص آن به سرمایه‌گذاری‌های مولد، شرط لازم ولی ناکافی برای رشد اقتصادی است. این رابطه به استناد ادبیات حسابداری رشد، چنان وثیق و محکم است که اگر نظام حکمرانی اقتصادی، نتواند منابع مالی و انسانی و زیرساخت‌های فیزیکی لازم برای رشد در سال‌های پیش‌رو را تجهیز کند، عمده تلاش بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری ابرتر می‌ماند. در نتیجه، اصلاح نظام بانکی، توسعه بازار سرمایه و فعال‌سازی دیپلماسی مالی، به عنوان سه رکن ضروری و مکمل رشد ۸ درصدی برنامه‌ریزی‌شده در قانون برنامه هفتم برای پنج سال آینده، رشد پایدار را در قانون برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار می‌دهند.

از سوی دیگر اگر تورم لجام گسیخته مهار نشود، و انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در محاق نااطمینانی های برآمده از تورم، سرکوب شود؛ اگر وفاق مجلس و دولت روی کنترل تورم نتواند ثبات اقتصاد کلان را به شرط غیر قابل نقض هر راهبرد حاکمیتی تبدیل کند؛ تورم دستاوردهای رشد را بر باد می دهد. بازندگان اقتصاد تورمی، محروم ترین اقشار و بی پناه ترین کسب و کارها هستند.

از آنجا که اصلاح نظام بانکی و کنترل تورم، دو راهبرد محوری برای تحقق رشد عدالت محور هستند و هر دو مورد به تصریح قانون، جزو اهداف و وظایف بانک مرکزی قرار دارند، لذا کمک، همکاری و هم افزایی با بانک مرکزی در تحقق دو هدف فوق، رویکرد محوری وزارت امور اقتصادی و دارایی برای تحقق رشد عدالت محور است. برنامه های مرتبط با مشارکت در برنامه اصلاح نظام بانکی و مهار تورم در دو ساحت موازی دنبال می شوند، بخشی از اقدام ها به بانک های تجاری دولتی تجاری و تخصصی و اصل ۴۴ مربوط می شوند، که مستقیماً در وزارت امور اقتصادی و دارایی پیگیری می شوند؛ و بخشی ذیل تحرک بخشی به سازوکارهای تعبیه شده در قانون بانک مرکزی و قانون برنامه هفتم با مشارکت بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و سایر دستگاه های مرتبط تعریف می شوند. در این چارچوب و همراستا با مواد ۳، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ برنامه هفتم پیشرفت، در قالب ۴ محور راهبردی برنامه های زیر قابل طرح هستند:

الف) گسترش فراگیری مالی و تأمین مالی کارآمد

۱. گسترش شمول اعتباری: یکی از ارکان برنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی برای «شمول و فراگیری مالی»، ارتقای تدریجی و پایدار دسترسی بنگاه های کوچک، استارت آپ ها، فین تک ها و شرکت های دانش بنیان به اعتبارات تولیدی، و دسترسی اقشار کم تر برخوردار (شامل ساکنان مناطق محروم) به اعتبارات مصرفی است. با توجه به تجارب ناموفق گذشته در تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط و اقشار محروم که منجر به انحراف منابع شده بود، توسعه اعتبارسنجی اشخاص حقوقی مبتنی بر سوابق عملکردی شرکت ها در دستور کار قرار می گیرد.

۲. تأمین مالی زنجیره ای: بنا بر ادبیات نظری و تجارب ثبت شده، یکی از موثرترین روش های تأمین مالی بنگاه های تولیدی تأمین مالی تجاری بنگاه های اقتصادی درون زنجیره های تأمین با استفاده از ابزارهای تأمین مالی تجاری غیربانکی است. این روش ها از یک سو به دلیل کاهش موثر استفاده از پول بانکی، در مقایسه با روش های متداول و سنتی، اثر تورمی بسیار کمتری دارند؛ به علاوه، به دلیل نشتی بسیار کم تر منابع، ابزارهای لازم برای هدایت اعتبار را در اختیار قرار می دهند.

۳. تأمین سرمایه در گردش: در شرایط فعلی به دلایلی از جمله ناترازی های بانکی و نیز گرایش سیاست گذار و

بانک‌ها به تأمین مالی پروژه‌ها از مسیر بانکی، تأمین مالی سرمایه‌درگرددش بنگاه‌های اقتصادی، به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط، مغفول واقع شده است. در این راستا اولویت‌دهی به تأمین مالی سرمایه‌درگرددش و نیز تنزیل اوراق تجاری کسب‌وکارها در بانک‌های تجاری دولتی و اصل ۴۴ مدنظر خواهد بود.

ب) فعال‌سازی دارایی‌های راکد و مدیریت بدهی‌های دولت

۴. توکنایز کردن دارایی‌ها: از معضلات فعلی اقتصاد ایران، انباشت دارایی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی است که جریان نقد بسیار ضعیفی برای دارندگان خود ایجاد می‌کنند. بزرگی اندازه این دارایی‌ها (به خصوص املاک و مستغلات) و توان مالی اندک خریداران بالقوه، مانع رونق گرفتن بازار دارایی‌ها و گسیل پس‌اندازها به بازارهای پرریسک طلا و ارز است. از راه‌کارهای تجربه شده در اقتصادهای مشابه، توکنایز کردن دارایی‌ها و رونق دادن به بازار خرید و فروش سهم‌الشرکه‌های خرد در بازارهای ثانویه است. این راه‌کار از یک سو به ایمن‌سازی پس‌اندازهای مالی در برابر تورم کمک می‌کند؛ همچنین برای خریداران خرد گزینه‌ای ایمن‌تر به جای خرید سهام و ارز و طلا و رمزارز ایجاد می‌کند. بانک‌های تجاری (یا فین‌تک‌های وابسته به آنان) می‌توانند کارگزار ارزیابی ارزش بازاری دارایی‌های راکد و انتشار اوراق به‌پشتوانه دارایی (ABS) در بازار اولیه و تسهیل و تنظیم مبادلات اوراق در بازار ثانویه شوند.

۵. جاری‌سازی بدهی‌های دولت: بدهی‌های دولت به بانک‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای دارایی‌های مالی راکد در اقتصاد ایران است. این اقلام کیفیت دارایی‌های بانک‌ها را به دلیل عدم ایجاد جریان نقد کاهش داده و خود از دلایل افت نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های دولتی و اصل ۴۴ است. تا زمانی که دولت توانایی مالی بازپرداخت اصل این بدهی‌ها را نداشته باشد، لازم است انضباط در بازپرداخت اقساط و سود این اوراق را در دستور کار قرار دهد. در این راستا اقدامات زیر مدنظر قرار می‌گیرند:

- تدقیق اصل و فرع این اقلام در همکاری میان سازمان حسابرسی و بانک‌ها،
- تلاش برای اولویت‌بندی بازپرداخت فرع این بدهی‌ها در بودجه‌های سنواتی،
- توکنایز کردن این بدهی‌ها و عرضه آن‌ها در بازار بدهی با هدف کشف قیمت و تعیین ارزش بازاری، و
- ارتقای مبادله‌پذیری بدهی‌های دولت.

ج) اصلاح ساختار و حکمرانی نظام بانکی

۶. تلاش برای کاهش اضافه برداشت در بانک‌های ذیل وزارت امور اقتصادی و دارایی با تجدید ساختار و در بانک‌های خصوصی از طریق سازوکارهای تعبیه شده در قانون بانک مرکزی: یکی از عوامل موثر بر اضافه

برداشت بانک‌ها، سرریز ناترازی بودجه‌ای به بانک‌های دولتی و اصل ۴۴ است. عامل دیگر عدم اجماع سیاسی حاکمیت در تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز و عدم اقتدار مقام ناظر بانکی در منضبط کردن بانک‌های خصوصی ناتراز است. در شرایط فعلی کشور، تعیین تکلیف بانک‌هایی که ریشه ناترازی منابع و مصارف آن‌ها ساختاری بوده و راه حل کوتاه‌مدت ندارند، عاجل‌ترین مسأله نظام پولی و مالی کشور است. وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان عضو حقوقی هیأت عالی بانک مرکزی، امکان پیگیری این موضوعات را دارد.

۷. تلاش برای افزایش نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها: هدف از افزایش سرمایه بانک‌ها در تلقی رایج محافل تصمیم‌گیری کشور، ارتقای قدرت وام‌دهی بانک‌هاست؛ در حالی که سرمایه حفاظی است که با سپر قرار دادن منافع سهامداران در برابر تأمین مالی پروژه‌های فاقد توجیه، مانع انتقال زیان تصمیم‌های اعتباری مخاطره‌آمیز به سپرده‌گذاران می‌شود. سهام‌داران بانک‌هایی که فاقد سرمایه کافی هستند و نسبت سرمایه به دارایی آن‌ها زیر نصاب‌های نظارتی است، عمل‌ریسکی نمی‌پذیرند، زیرا سپرده‌های مردم را سپر بلای زیان‌های محتمل می‌کنند؛ در حالی که از منافع تسهیلات سود می‌برند. در شرایط کنونی، وضعیت سرمایه عمده بانک‌های فعال در کشور بسیار نازل و در برخی موارد منفی است.

در نتیجه، حتی در صورت رفع تحریم‌ها و خروج ایران از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی، با وضعیت سرمایه فعلی، بسیاری از بانک‌های ایران قادر به برقراری روابط کارگزاری با هیچ بانکی خارج از مرزهای کشور نیستند. بر این اساس تدبیر عاجل در این جهت با مد نظر قرار دادن ماده ۸ قانون برنامه هفتم به‌ویژه درباره بانک‌های دولتی در دستور کار وزارت اقتصاد قرار خواهد گرفت. همچنین آماده‌سازی حداقل یکی از بانک‌های برخوردار از صورت‌های مالی قابل دفاع‌تر، ناترازی کم‌تر، مدیریت حرفه‌ای‌تر و شبکه کارگزاری بزرگ‌تر، برای توسعه روابط کارگزاری در صورت رفع تحریم‌ها پیگیری خواهد شد.

اصلاح ترازنامه بانک‌های دولتی با هدف تقویت ثبات مالی و افزایش قدرت تسهیلات‌دهی، از مسیر کاهش بنگاه‌داری و واگذاری دارایی‌های غیرمرتبط با مأموریت بانکی پیگیری می‌شود. حل و فصل مطالبات غیرجاری، به‌ویژه مطالبات کلان و ارزی، از اولویت‌های اساسی در این مسیر است تا با بهبود کیفیت دارایی‌ها، نسبت کفایت سرمایه ارتقا یابد. همچنین، تمرکز بر احیای انضباط مالی و مدیریت حرفه‌ای ریسک اعتباری، برای بازگرداندن اعتماد عمومی به نظام بانکی دنبال خواهد شد.

د) ارتقای شفافیت و انطباق‌پذیری در بانک‌ها

۸. سیاست‌گذاری درباره وضعیت ایران در گروه ویژه اقدام مالی: تعامل با فتف مبتنی بر برنامه‌ای پویا و منسجم برای مدیریت مخاطرات خصوصاً با نظرداشت شرایط تحریمی و در چارچوب اهداف ذیل:

- عادی سازی روابط و خروج از لیست سیاه بدون هزینه و منطبق با قوانین داخلی و منافع ملی،
- شکستن اجماع علیه ایران و هزینه‌دار کردن قرارگیری ایران در لیست سیاه برای فتف، و
- نقش آفرینی برای بانک‌های ایرانی از طریق از سرگیری روابط کارگزاری با بانک‌هایی که قصد رعایت تحریم‌های یکجانبه را ندارند؛ با هدف تسهیل و کاهش هزینه‌های بانکی در شرایط تحریم.
- اجرای اقدامات و توصیه‌هایی که بر اساس قوانین داخلی و خرد جمعی به سلامت نظام مالی کشور کمک می‌کند بر اساس رویکردهای زیر در اولویت اقدام خواهد بود.

- تقویت رویکرد مطالبه‌گری از فتف برای خروج از لیست سیاه از طریق انجام کامل ۳۹ بند از ۴۱ بند برنامه اقدام و جلوگیری از ابطال برنامه اقدام و زمینه‌سازی برای تصمیم‌گیری نظام در چارچوب منافع ملی برای اقدامات باقی‌مانده، و برجسته‌سازی نقاط قوت ایران در مقایسه با سایر کشورها شامل گستردگی و شمول مالی، زیرساخت‌های پرداخت الکترونیک و نظارت هوشمند.

- هزینه‌دار کردن رفتار سیاسی با ایران از طریق شناسایی و تعامل با سایر نهادهای مشابه و رقیب فتف.
- نقش آفرینی در ایجاد و تقویت گروه‌های همکاری بین‌المللی برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در تعامل با مجامعی نظیر بریکس و شانگهای.

۹. افزایش انطباق استانداردهای حسابرسی بانک‌ها در ایران با استانداردهای حرفه‌ای بین‌المللی؛ این امر منجر به افزایش مفاهمه در خصوص صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی بانک‌های ایران برای جامعه بانکداران حرفه‌ای در سطح جهان می‌گردد. روشن است که این انطباق‌پذیری با هماهنگی بانک مرکزی و در چارچوب ضوابط و استانداردهای شرعی ناظر به عملیات بانکی بدون ربا پیگیری خواهد شد.

۱۰. آموزش مستمر و ظرفیت‌سازی برای افزایش سرمایه انسانی بانک‌ها

۳.۳. بیمه

نظام بیمه‌ای کشور، به عنوان یکی از ارکان مهم پایداری اجتماعی و اقتصادی، نقش مؤثری در حمایت از نیروی کار، تقویت تولید ملی و ارتقاء سرمایه اجتماعی دارد. با توجه به تحولات جمعیتی، ساختاری و فن‌آورانه در اقتصاد کشور و در راستای تحقق اهداف برنامه هفتم پیشرفت، برنامه‌ای جامع برای اصلاح ساختار بیمه‌ای

کشور مورد نیاز است. این برنامه با تمرکز بر ارتقاء حکمرانی اقتصادی، بهبود شفافیت، توسعه دیجیتالی، تقویت نظارت تخصصی و تحقق عدالت اجتماعی، در پی ایجاد نظام بیمه‌ای کارآمد، پایدار و پاسخگو به نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد ناظر تخصصی این حوزه، بخش جدایی‌ناپذیر این برنامه است.

رویکردهای اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی در ارتقای نظام بیمه‌ای کشور به شرح زیر است:

۱. کمک به ارتقای حکمرانی اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای،
 ۲. توسعه زیرساخت‌های داده‌محور و دیجیتال،
 ۳. بهبود شفافیت و نظارت حرفه‌ای،
 ۴. تقویت نقش بیمه مرکزی به عنوان نهاد حاکمیتی بازار بیمه، و
 ۵. تقویت پوشش بیمه‌ای با تأکید بر عدالت اجتماعی در دسترسی برابر به خدمات بیمه‌ای، به ویژه در مناطق کمتر برخوردار.
- بر این اساس و همراستا با مواد ۴، ۳۳ و ۴۸ برنامه هفتم پیشرفت، برنامه‌های اجرایی در این حوزه ذیل ۵ راهبرد کلان به شرح زیر ارائه می‌شوند:

الف) اصلاح ساختار سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی

۱. طراحی چارچوب سرمایه‌گذاری بهینه برای صندوق‌ها با رویکرد مدیریت ریسک و بازده پایدار،
 ۲. تقویت نظام گزارشگری مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی، و
 ۳. توسعه بازار ثانویه دارایی‌های صندوق‌های بیمه‌ای و واگذاری دارایی‌های غیرمولد.
- #### ب) دیجیتالی‌سازی کامل خدمات و اطلاعات بیمه‌ای
۴. ایجاد سامانه ملی اطلاعات بیمه‌ای کشور،
 ۵. راه اندازی پایگاه مشترک اطلاعات کارفرمایی و حذف دخالت سلیقه در فرایندهای مالیاتی و بیمه‌ای،
 ۶. توسعه خدمات الکترونیک در فرایندهای بیمه‌ای،
 ۷. بهره‌گیری از فن‌آوری‌های داده‌محور و هوش مصنوعی برای نظارت هوشمند بر عملکرد بیمه‌گران، و
 ۸. جایگزین کردن الگوی قیمت‌گذاری محصولات بر اساس نرخ‌های شخصی‌سازی شده مبتنی بر میزان استفاده واقعی به جای الگوی رایج مبتنی بر ریسک متوسط و تاریخ‌محور.

ج) توسعه نظام جامع نظارت مالی و عملکردی

۹. ارتقای پایش مستمر فعالیت شرکت‌های بیمه توسط بیمه مرکزی،
۱۰. تدوین شاخص‌های سلامت مالی از قبیل نسبت کفایت سرمایه و نسبت خسارت، و
۱۱. الزام به انتشار عمومی گزارش‌های مالی و عملکردی شفاف از سوی شرکت‌های بیمه.

د) ارتقای فرهنگ بیمه و افزایش ضریب نفوذ بیمه

۱۲. اجرای برنامه‌های ملی آگاهی‌بخشی در حوزه بیمه با هدف افزایش پوشش بیمه‌ای،
۱۳. توسعه محصولات نوین بیمه‌ای شامل بیمه‌های عمر، مسئولیت حرفه‌ای و کشاورزی،
۱۴. تسهیل دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط و اقشار کم‌درآمد به پوشش‌های بیمه‌ای مناسب، و
۱۵. طراحی ابزارهای بیمه - بورس، جهت استفاده از ظرفیت شرکت‌های بیمه در بازار سرمایه و کاهش ریسک سرمایه‌گذاران خرد.

ه) بهبود حکمرانی بیمه مرکزی

۱۶. بازطراحی ساختار بیمه مرکزی با هدف تقویت استقلال فنی و تخصصی،
۱۷. واگذاری کامل وظایف اجرایی بیمه مرکزی به شرکت‌های بیمه و ممنوعیت بیمه مرکزی از ورود به فعالیت‌های انتفاعی،
۱۸. توسعه ظرفیت تحلیل ریسک‌های کلان اقتصادی و بیمه‌ای، و
۱۹. دویین و اجرای سیاست‌های تنظیم‌گری نوین برای ارتقاء سلامت بازار بیمه.

۳.۴. ارتقای کارایی اجرای بودجه و مدیریت بدهی‌های دولت

حفظ پایداری بدهی‌های دولت از طریق کنترل مسیرهای ایجاد بدهی و هم‌زمان، کمک به کاهش چالش‌های نظام مالی (شبکه بانکی و بازار سرمایه) با تدقیق زمان‌بندی، حجم و ماهیت بدهی‌های دولت به نظام بانکی پدیده‌ای بسیار حائز اهمیت است. در همین جهت و همراستا با مواد ۱۰، ۱۲، ۲۴ و ۴۶ برنامه هفتم پیشرفت، برنامه‌های زیر ذیل ۳ دسته کلان راهبردی مدنظر قرار می‌گیرند:

الف) مدیریت بدهی‌های دولت و توسعه بازارهای بدهی

۱. اوراق بهادارسازی و بازپذیر کردن بدهی‌های فعلی دولت و شرکت‌های دولتی و محدود کردن ایجاد بدهی غیر اوراقی در راستای احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت،

۲. توسعه بازار بدهی در راستای کاهش هزینه تأمین مالی دولت از مسیر انتشار اوراق، با افزایش تنوع اوراق مالی اسلامی در نرخ و سررسید و هماهنگی با بانک مرکزی،

۳. تدوین برنامه سالانه استقراض دولت و تدوین و اعلام برنامه زمانی انتشار اوراق بدهی در راستای کمک به برنامه ریزی بانک ها و خریداران اوراق دولتی، و

۴. اولویت بخشی و مشارکت در به تصویب رسیدن و اجرای لایحه مدیریت بدهی های عمومی دولت.

ب) هماهنگی نهادی و برنامه ریزی بین دستگاهی

۵. تشکیل مستمر کارگروه هماهنگی بین دستگاهی (وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه) در راستای هماهنگی و برنامه ریزی انتشار منظم اوراق.

ج) مدیریت نقدینگی دولت و کارآمدسازی منابع خزانه داری

۶. مدیریت نقدینگی خزانه و هموارسازی دریافت ها و پرداخت های دولت با استفاده از ابزارهایی نظیر انتشار اوراق درون سالی، و

۷. ساماندهی حساب واحد خزانه و تکمیل پروژه پرداخت به ذی نفع نهایی در حوزه دستگاه های اجرایی و اصلاح فرایندهای مربوطه جهت استفاده بهینه از منابع شرکت های دولتی.

۳.۵. مولدسازی دارایی های دولت

در سال های اخیر، موضوع مولدسازی دارایی های دولت به دلیل کاهش نقش درآمدهای نفتی در تأمین مالی، تأکید بر افزایش بازدهی دارایی های دولت و تأمین درآمد پایدار از این دارایی ها، در کانون توجه قرار گرفته است. بر اساس مصوبه ۶۷ شورای عالی هماهنگی سران قوا، وزارت امور اقتصاد و دارایی به عنوان دبیرخانه و مجری شناسایی، واگذاری، فروش و مولدسازی اموال شناسایی شده و پروژه های نیمه تمام عمرانی و قراردادهای مشارکت و سرمایه گذاری تعیین شده است. از این رو، مرکز مولدسازی دارایی های دولت و دبیرخانه هیئت عالی مولدسازی، در سازمان خصوصی سازی شکل گرفته اند.

به همین منظور و بر اساس تکالیف قانون برنامه هفتم پیشرفت (مواد ۳، ۵، ۱۵ و ۲۸)، ظرفیت های قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت ها و مصوبه سران قوا، برنامه های ذیل در ۳ دسته کلان راهبردی برای مولدسازی دارایی های دولت مدنظر قرار می گیرد:

الف) تقویت زیرساخت اطلاعاتی و شفافیت در مدیریت دارایی ها

۱. شناسایی، ثبت و ضبط اطلاعات مربوط به املاک عمومی دولت، نهادهای عمومی غیر دولتی و شرکت های

دولتی در سامانه متمرکز وزارت امور اقتصادی و دارایی،

۲. تسریع در تکمیل بانک اطلاعاتی اموال دولت و بخش عمومی، و

۳. طراحی نظام ارزش گذاری استاندارد برای دارایی های غیرمنقول دولتی به منظور شفاف سازی ارزش واقعی اموال و دارایی های در اختیار دستگاه ها.

ب) اصلاح نهادی و تقنینی در حوزه مولدسازی

۴. تدوین و پیگیری تصویب لایحه تخصصی مدیریت و مولدسازی اموال دولت با تأکید بر تقویت شفافیت و پاسخگویی در فرایند مولدسازی، و

۵. اصلاح ساختاری و نهادی در خصوص متولی برنامه اجرایی مولدسازی در میان مدت.

ج) اقدام اجرایی برای فعال سازی دارایی ها و توسعه سرمایه گذاری

۶. بهره گیری از مولدسازی دارایی ها برای توسعه سرمایه گذاری های مولد و تکمیل طرح های عمرانی نیمه تمام،

۷. به کارگیری روش های نوین مولدسازی در چارچوب قوانین از جمله قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت، و

۸. تسریع در تعیین تکلیف اموال آماده فروش و مولدسازی در سال جاری.

۳.۶. سیاست های کلی اصل ۴۴ و توانمندسازی بخش خصوصی

اهتمام بر اجرایی سازی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اجرای این سیاست ها می تواند ضامن پیشرفت پایدار اقتصادی باشد. آسیب شناسی اجرای قانون، نشانگر برخی انحرافات یا اجرای ناقص برخی احکام و فصول این قانون است. در راستای رفع این نواقص و بهره مندی حداکثری مردم و فعالین اقتصادی از آن، که ناظر بر توانمندسازی بخش خصوصی و تعریف نقش های توسعه ای روشن برای بخش های غیردولتی است، همراستا با محتوای مواد ۳، ۵، ۱۹، ۲۵ و ۱۰۵ برنامه هفتم پیشرفت، برنامه های ذیل در سه دسته کلان راهبردی در دستور کار هستند:

الف) اصلاح قوانین و چارچوب های نهادی برای تسهیل واگذاری و سرمایه گذاری

۱. رفع نارسایی های قانونی و اطمینان بخشی به سرمایه گذاران با پیشنهاد لایحه اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ در حوزه واگذاری ها،

۲. تشویق سرمایه گذاری در طرح های مرتبط با تأمین کالاها و خدمات از طریق توسعه انواع قراردادهای تهاتر، پیش خرید و خرید تضمینی از بخش غیردولتی، و

۳. پیگیری و بسترسازی جهت اجرایی‌سازی ماده (۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر ایجاد فرصت‌های برابر برای بهره‌مندی از امتیازات توسط بخش‌های خصوص و تعاونی در نسبت با بنگاه‌های دولتی.

ب) بهبود عملکرد نهادهای عمومی و واگذاری‌ها

۴. بهبود نقش‌آفرینی نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد کشور با پیگیری و بسترسازی جهت اجرایی‌سازی ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴،

۵. تسریع در واگذاری بنگاه‌های گروه ۱ و ۲ مشمول واگذاری در راستای عمل به احکام قانون برنامه هفتم (با همکاری وزارتخانه‌های بخشی) پس از اصلاح رویه‌ها و رفع آسیب‌های پیشین، و

۶. تعیین تکلیف گروه‌بندی شرکت‌های فاقد گروه‌بندی.

ج) ارتقای رقابت‌پذیری و مقابله با انحصار

۷. آسیب‌شناسی و کمک به اجرایی‌سازی فصل ۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر ایجاد رقابت و پرهیز از انحصار در اقتصاد کشور، و

۸. تقویت ساختار و جایگاه شورای رقابت و مرکز ملی رقابت با هدف تسهیل مشارکت بخش خصوصی و انحصارزدایی از فعالیت‌های اقتصادی.

۳.۷. مالیات

یکی از مهم‌ترین احکام سیاست‌های کلی برنامه هفتم در خصوص اصلاح ساختار بودجه، بند ۴ این سیاست‌ها است مبنی بر «ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تبدیل مالیات به منبع اصلی تأمین بودجه جاری دولت، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تأکید بر رونق تولید و عدالت مالیاتی». این مهم محقق نمی‌شود مگر با اجرای کامل قوانین مصوّب (و طرح‌ها و لوایح در حال بررسی در مجلس) در حوزه نظام مالیاتی، که می‌تواند مبنای مناسبی برای تحوّل ساختار نظام مالیاتی باشد.

اگر مالیات ستانده می‌شود نسبت آن با توسعه باید مشخص باشد. اگر معافیتی هم داده می‌شود تنها باید به شرطی باشد که به رشد و آبادانی کشور کمک می‌کند. مولای متقیان در نامه به مالک اشتر فرموده‌اند: «باید اندیشه‌ات در آبادی زمین از تدبیرت در جمع‌آوری مالیات بیشتر باشد، زیرا مالیات جز با آباد کردن زمین به دست نمی‌آید، و هر کس بخواهد منهای آباد نمودن مالیات بگیرد شهرها را خراب کرده، و بندگان خدا را به هلاکت انداخته، و حکومتش جز اندک زمانی نماند.»^{۱۲}

۱۲. وَلْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْزَبَ الْبِلَادَ، وَأَهْلَكَ الْبُعَادَ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا.

در این راستا، چهار هدف اصلی زیر در اصلاحات نظام مالیاتی هموار مد نظر بوده و برنامه پیشنهادی نیز در راستای تحقق و اجرایی سازی آنها توسعه یافته است:

۱. تبدیل مالیات به منبع اصلی تأمین بودجه جاری دولت با تحقق هدف برنامه هفتم در افزایش سالانه یک واحد درصد نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی،

۲. رفع تبعیض و ارتقای «عدالت مالیاتی» و کمک به کاهش نابرابری درآمدی و ثروت میان مردم،

۳. تغییر رویکرد نظام مالیاتی؛ حرکت از نظام مالیاتی سنتی ممیزمحور به نظام مالیاتی نوین و هوشمند جهت مالیات ستانی با حداقل اصطکاک و هزینه برای مردم و فعالین اقتصادی، و

۴. تمرکز بر ارتقای سلامت اداری در نظام مالیاتی.

مهم ترین شاخص های کلیدی برای ارزیابی تحقق اهداف فوق که در قانون برنامه پنج ساله هفتم نیز تصریح شده عبارتند از نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (هدف گذاری شده به میزان ۱۰ درصد)؛ و نسبت مالیات به اعتبارات هزینه ای بودجه (هدف گذاری شده به میزان ۸۰ درصد).

هم راستا با محتوای مواد ۴، ۵، ۸، ۲۶ و ۹۹ برنامه هفتم پیشرفت، مهم ترین راهبردها و اقدامات جهت تحقق اهداف فوق در قالب ۵ دسته کلان راهبردی عبارت اند از:

الف) دیجیتالی سازی، یکپارچه سازی داده ها و حسابرسی هوشمند

۱. یکپارچه سازی نظام اطلاعات و فرایند حسابرسی و وصول حق بیمه تأمین اجتماعی و مالیات در اجرای بند ت ماده ۴ قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت با هدف بهبود محیط کسب و کار،

۲. استقرار نظام داده محور مبتنی بر استفاده کامل از اطلاعات اشخاص ثالث با اجرای کامل ماده ۱۶۶ مکرر، قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مودیان (موضوع طرح مالیات بر سوداگری و سفته بازی) و ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات های مستقیم،

۳. استقرار کامل قانون «پایانه های فروشگاهی و سامانه مودیان» و پایان دادن به دوران گذار، در اجرای حکم قانون بودجه سال ۱۴۰۴، و

۴. اجرای موثر حسابرسی مبتنی بر ریسک موضوع ماده ۹۷ قانون مالیات های مستقیم و گذر از تشخیص سلیقه ای به حسابرسی سیستمی، با هدف بهبود محیط کسب و کار.

ب) کارکرد تنظیم گر مالیات در اقتصاد

۵. استقرار بستر اجرایی مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص مالیات بر سوداگری و تقویت کارکرد

تنظیمی مالیات در اقتصاد کشور، و

۶. افزایش شفافیت مخارج مالیاتی (تخفیفات، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت یا بخشودگی و ترجیحات مالیاتی) و هدفمند کردن آن‌ها به منظور جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیر مولد و تقویت معافیت‌های منجر به رشد تولید موضوع بندهای (ب) و (پ) ماده ۲۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت.

ج) ارتقای تمکین مالی و فرهنگ‌سازی

۷. رتبه‌بندی مؤدیان مالیاتی بر اساس میزان تمکین مالیاتی داوطلبانه و مبنا قرار گرفتن آن در بهره‌مندی از تسهیلات و حمایت‌های دولتی،

۸. جامعه‌پذیری و ارتقای تمکین مالیاتی داوطلبانه و تبدیل «پرداخت مالیات» به یک ارزش و هنجار فرهنگی با ایجاد امکان انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات پرداختی برای مؤدیان خرد، و

۹. اصالت دادن به صحت اظهار مؤدی با بهره‌گیری از «قواعد خود کنترل»، موضوع ماده ۴ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان.

د) اصلاحات نهادی و فرایندی در نظام مالیاتی

۱۰. اصلاح نظام دادرسی مالیاتی با رویکرد ایجاد استقلال و کاهش اطاله دادرسی مالیاتی موضوع بند (ت) ماده ۲۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت،

۱۱. اصلاح نظام استرداد مالیاتی جهت به حداقل رساندن زمان استرداد و کاهش فرایندهای اداری جهت کمک به فعالین اقتصادی خصوصاً صادرکنندگان کالا و خدمات، و

۱۲. طراحی و بهبود نظام انگیزشی استان‌ها در وصول مالیات.

ه) مقابله با فرار مالیاتی و تقویت عدالت مالیاتی

۱۳. مبارزه نظام‌مند با فرار مالیاتی.

برنامه‌های فوق، اقداماتی اجرایی هستند که در چارچوب قوانین فعلی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی در دوره پیش‌رو پیگیری می‌شوند. در کنار این برنامه‌ها و در جهت ارتقای عدالت مالیاتی، برخی اصلاحات قانونی نیز مورد نیاز است که تدوین لوایح مستقل را ضروری می‌نماید. مهم‌ترین اصلاحات مالیاتی که لوایح قانونی مورد نیاز آن‌ها توسط وزات‌خانه پیگیری می‌شود، عبارتند از:

۱. حرکت به سمت یکپارچگی نظام مالیاتی و حمایتی در راستای ارتقای عدالت (که نیازمند تصویب و اجرای نظام مالیات بر مجموع درآمد است)،

۲. افزایش سهم انواع مالیات بر ثروت در راستای بهبود عدالت مالیاتی و طراحی نظام منطقه‌ای مالیات بر املاک و مستغلات، و

۳. تبدیل تمام معافیت‌های مالیاتی به مالیات با نرخ صفر جهت افزایش شفافیت اقتصادی و بازطراحی معافیت‌های مالیاتی در راستای بهبود عدالت مالیاتی، کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای و ایجاد جذابیت‌های اقتصادی و مالی در مناطق محروم و کم‌تر برخوردار و صنایع پیشران.

۳.۸ گمرک و فرایندهای تجاری

گمرک به عنوان مرزبان اقتصادی کشور نقش محوری و هماهنگ‌کننده را در مبادی ورودی و خروجی کشور دارد و مسئول اعمال حاکمیت دولت در اجرای قانون امور گمرکی و سایر قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات و عبور (ترانزیت) کالا و وصول حقوق ورودی و عوارض گمرکی و مالیات‌های مربوطه و الزامات فنی و تسهیل تجارت است. هدف اصلی گمرک، تسهیل تجارت و تسریع در گردش کالا است و همکاری نزدیک گمرک، وزارت صمت و بانک مرکزی می‌تواند تضمین‌کننده هم‌راستا شدن سیاست‌های تجاری و برنامه‌های توسعه‌ای صنعتی باشد.

در این چارچوب و هم‌راستا با مواد ۴، ۳۸ و ۶۱ برنامه هفتم پیشرفت، اهم برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی در ارتقای نظام گمرک کشور به شرح ذیل است:

الف) توسعه زیرساخت‌های فن‌آورانه و یکپارچه‌سازی اطلاعات گمرکی

۱. تکمیل سامانه جامع امور گمرکی جدید و یکپارچه سازی اطلاعات و آمارهای گمرکی و تجارت داخلی از طریق اتصال به سایر سامانه های مرتبط،

۲. تکمیل برنامه تجهیز گمرکات به ابزارهای پیشرفته کنترلی (دستگاه‌های آشکارساز) و فن‌آوری‌های نوین با رویکرد الکترونیکی نمودن کلیه اسناد، و

۳. تکمیل اتصال سیستمی سامانه‌های گمرکی با سامانه جامع تجارت و اهتمام به جلوگیری از قاچاق از مبادی رسمی کشور.

ب) تسهیل رویه‌های گمرکی و کاهش زمان ترخیص

۴. کاهش زمان ترخیص و انتقال کالا از گمرکات با افزایش تعداد گمرکات شبانه‌روزی، هوشمندسازی و نیز اصلاح رویه‌های گمرکی،

۵. تسهیل تجارت برای بنگاه‌های با نمره اعتباری بالا و توسعه مسیر سبز گمرکی،

۶. تودیع ضمانت بانکی در زمان اظهار و حداکثر به مدت یک سال برای فعالان مجاز اقتصادی و قرار گرفتن کالای آنها در مسیر سبز که با حداقل تشریفات گمرکی ترخیص می‌شوند، و

۷. تسریع در ترخیص دارو، مواد اولیه دارو و تجهیزات پزشکی با حداقل اسناد.

ج) بهبود ثبات مقررات و کاهش ریسک برای فعالان اقتصادی

۸. افزایش ثبات در مقررات لازم‌الرعايه گمرکی در روند صادرات، واردات و ترانزیت با اهتمام به رعایت آیین‌نامه مواد ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار.

د) حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری سبز و تسهیل انبارداری اختصاصی

۹. تسهیل استفاده از انبارهای اختصاصی توسط واحدهای تولیدی و بازرگانان متقاضی که از تخلیه و بارگیری مجدد کالا جلوگیری می‌کند، و

۱۰. تسهیل تجارت محصولات سبز و تسهیل واردات برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر با همکاری بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت.

همچنین با توجه به تعداد مناطق آزاد (۱۸)، مناطق ویژه اقتصادی (۸۰)، وجود ۱۵ رویه گمرکی مختلف، تخفیفات و معافیت‌های گوناگون، عوارض متعدد قانون بودجه (۲۳)، و عضویت در ۱۵ کنوانسیون بین‌المللی، منابع انسانی گمرک نیاز به آموزش مستمر و ظرفیت‌سازی دارند و توجه جدی به مقوله توانمندسازی منابع انسانی گمرک ضرورت دارد.

۳.۹ مناطق آزاد

جذب سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات، از اهداف اصلی مناطق آزاد مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، به گونه‌ای که بدون تحقق آن‌ها، نمی‌توان این مناطق را موفق دانست و با تحقق این موارد، زمینه دستیابی به سایر اهداف نظیر اشتغال و توازن منطقه‌ای فراهم می‌شود. دستیابی به اهداف تشکیل مناطق آزاد در راستای بند «۱۱» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج) و همچنین عملکرد مطلوب در مقایسه با مناطق آزاد موفق جهانی نیازمند توجه ویژه به این حوزه است. علاوه بر آن، اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور به عنوان نقشه راه و چارچوب بالادستی، مستلزم

بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های مناطق آزاد است. ایران با موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرار داشتن بین دو دریا و برخورداری از هزاران کیلومتر سواحل و نیز جزایر و ظرفیت‌های فراوان بر زمین مانده لازم است با حضور مؤثر در ساحل، فراساحل، دریا و اقیانوس و بهره‌گیری از آن به عنوان یک پیشران و محور توسعه کشور، برای احراز جایگاه شایسته منطقه‌ای و جهانی در بهره‌گیری از دریا اقدام کند.

اهم برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی در راستای تقویت مناطق آزاد کشور در ۳ دسته کلان راهبردی به شرح ذیل است:

الف) ارتقای عملکرد و بازآفرینی کارکردهای مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

۱. تلاش برای احیای کامل ماده ۶۵ قانون احکام دائمی به منظور تقویت حکمرانی مناطق آزاد و حل و فصل مشکلات بین سازمان‌های مناطق و سازمان‌های همجوار،
۲. تعریف مأموریت مشخص برای مناطق آزاد و تعیین شاخص‌های سنجش عملکرد متناسب مأموریت تعریف شده،
۳. پیگیری رفع مقررات معارض با امتیازات قانونی در نظر گرفته شده برای مناطق در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد،
۴. نوسازی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای جهش تولید و سرمایه‌گذاری و انتقال فن‌آوری جهت صادرات محور کردن این مناطق و تحقق سیاست توسعه صادرات، و
۵. فعال‌سازی ظرفیت‌های مناطق آزاد با سه محور صادرات، اشتغال و جذب هدفمند سرمایه‌های داخلی و خارجی.

ب) بهبود محیط نهادی و ارتقای شفافیت در مناطق آزاد

۶. بهبود محیط کسب و کار حاکم بر مناطق آزاد از طریق ارتقای شفافیت، پیشگیری و مقابله با فساد اداری، مالی و اقتصادی.

ج) بازاریابی سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت منطقه‌ای

۷. معرفی و بازاریابی جهانی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، و
۸. تسهیل و توسعه تجارت در بازراچه‌های مرزی با همسایگان.

۳.۱۰ اصلاح نهادی و ارتقای محیط کسب و کار

محیط کسب و کار، ستون فقرات فعالیت اقتصادی و پیش شرط توانمندسازی بخش خصوصی و شکوفایی اقتصاد ملی است. کاهش هزینه‌های ورود، کاهش ریسک‌های نهادی و ارتقای شفافیت، همگی در گرو سازوکارهای نهادی کارآمد و پیش‌بینی‌پذیر هستند. بر همین اساس، برنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی در راستای تکالیف قانونی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اهداف برنامه هفتم، تمرکز خود را بر بهبود محیط کسب و کار، تسهیل فرایندهای صدور مجوز، حذف مقررات زائد، و تضمین ثبات تصمیمات اقتصادی قرار داده است. این اقدامات در ۳ دسته راهبردی زیر، ضمن شتاب‌دهی به شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی نوآورانه و تولید محور، بستر رشد پایدار را فراهم می‌کنند و از طریق تقویت نقش‌آفرینی بخش خصوصی، مسیر تحقق عدالت اقتصادی را هموار می‌سازند.

الف) تسهیل و تسریع در صدور مجوزها

۱. تکمیل درگاه ملی مجوزها با تمرکز بر مجوزهای زمین‌پایه، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و اجرای مؤثر آیسیک ملی،
۲. همکاری با دستگاه‌های متولی صدور مجوز برای کاهش زمان پاسخ‌گویی به متقاضیان،
۳. هم‌افزایی با دستگاه‌های اجرایی برای صدور بسته‌های سرمایه‌گذاری بی‌نام از طریق درگاه ملی مجوزها، و
۴. تسهیل تولد واحدهای تولیدی با اتصال شناسه مجوزها به حساب تجاری و تقویت نظارت پسینی.

ب) اصلاح مقررات و ارتقای پیش‌بینی‌پذیری

۵. حذف مستمر مقررات زائد و مخل کسب و کار با استفاده از اختیارات هیئت مقررات‌زدایی، و
۶. ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری با جلوگیری از تغییرات ناگهانی در مقررات و سیاست‌ها (اجرای مواد ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار).

ج) نهادسازی و هم‌افزایی نهادی

۷. پیگیری مشکلات کارآفرینان از طریق نهادهای قانونی مانند شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، کمیته ماده ۱۲ و شورای رقابت، و
۸. راهبری و نظارت بر مسئولان بهبود محیط کسب و کار در دستگاه‌ها (اجرای ماده ۱۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار).

د) ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران

۹. بهبود رتبه ایران در شاخص Business Ready بانک جهانی با اجرای ماده ۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار.

۳.۱۱. دیپلماسی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی

تحقق رشدهای بالای اقتصادی، مستلزم اتخاذ راهبرد درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصادی است که مورد تأکید سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بوده است. با عنایت به تحولات اخیر در نظم بین‌المللی که پنجره فرصت‌های جدیدی برای کشور ایجاد می‌کند و نیازمند تصمیم‌گیری‌های چابک در بستر فهم نظم جدید بین‌المللی است، در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تمرکز بر دو رویکرد زیر می‌تواند مثمرتر باشد:

۱. جذب هدفمند سرمایه‌های خرد خارجی از کشورهای هدف و در بخش‌های خاص، و
 ۲. تعریف سازوکار ویژه تأمین مالی با کشورهای بزرگ همسو در کنار تعریف اولویت‌های کشور برای قرار دادن ایران در زنجیره ارزش منطقه‌ای و تکمیل کریدورهای ترانزیتی با رویکرد انتقال فن‌آوری.
- به منظور طراحی راهبردها و برنامه‌های لازم برای تحقق دو هدف فوق، اجماع نظر در خصوص مفروضات ناظر به شرایط محیط بین‌المللی کشور ضروری است. دو انگاره کلیدی که مبنای برنامه‌ریزی وزارت امور اقتصادی و دارایی در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌گیرند عبارتند از ۱) مفروض انگاشتن استمرار تحریم‌ها تا زمان از بین رفتن نقاط تأثیر آن‌ها (و نه لزوماً رفع یا لغو حقوقی تحریم‌ها) و لزوم طراحی راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با فرض تداوم تحریم؛ و ۲) روند تشدیدشونده رقابت میان قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و لزوم بهره‌برداری از این رقابت به عنوان یک پنجره فرصت برای ایران در حوزه‌های مختلف.
- مبتنی بر این فروض و در راستای تحقق اهداف فوق، برنامه‌های ذیل در ۴ دسته کلان راهبردی مد نظر وزارت خانه است:

الف) تسهیل سیاست‌های ارزی، بانکی و مقرراتی برای جذب سرمایه خارجی

۱. همکاری با بانک مرکزی برای اصلاح و تسهیل سیاست‌های ارزی ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر نرخ ارز مبنای ورود سرمایه و سیاست‌های تعیین منشأ ارز،
۲. همکاری با بانک مرکزی به منظور تعریف سازوکارهای جدید نقل و انتقالات بانکی در سطوح خرد و تجاری با کشورهای هدف، و

۳. توسعه تأمین مالی از مؤسسات مالی بین‌المللی (با تمرکز بر بانک توسعه اسلامی و بانک توسعه زیرساخت آسیا) و نظم‌دهی و بهبود روش‌های پرداخت اقساط خارجی.

ب) هدف‌گذاری، دیپلماسی اقتصادی و تعریف پروژه‌های راهبردی سرمایه‌گذاری

۴. تعریف کشورهای هدف جذب سرمایه (مبدأ سرمایه) مبتنی بر واقعیت‌های نظم بین‌المللی و منطقه‌ای جدید و هم‌پوشانی نیازها و ظرفیت‌های دو طرف و تمرکز مذاکرات بر این کشورها،

۵. تحلیل پروژه‌های مشترک کشورهای همسایه با چین، هند و روسیه و دیگر کشورهای دارای تفاهم‌نامه همکاری و تعریف پروژه‌های مکمل در ایران در راستای ایجاد هم‌افزایی در پروژه‌های دارای نسبت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی با ابتکارهای کلان این کشورها، و

۶. تلاش در جهت ایجاد سازوکار فرماندهی واحد در روابط خارجی کشور و افزایش کارآمدی و هم‌افزایی کمیسیون‌های مشترک اقتصادی با دیگر کشورها.

ج) توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و نهادی برای جذب سرمایه

۷. بهبود جوسازی سرمایه‌گذار خارجی و سرمایه‌پذیر داخلی با تکمیل سامانه جامع اطلاعات سرمایه‌گذاری کشور، پیگیری و انتشار بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام، تأسیس و توسعه فعالیت آژانس‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی (موضوع مواد ۲۵، ۲۶ و ۳۰ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها)،

۸. تعریف هدفمند پروژه‌های کوچک و متوسط برای جذب سرمایه‌های منطقه‌ای و رفع موانع داخلی و اداری آن‌ها (با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها)، و

۹. تعریف همکاری با گروه‌های بزرگ مالی و اقتصادی داخل و خارج کشور برای اتصال شرکت‌های سرمایه‌پذیر داخلی به هلدینگ‌ها.

د) جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان

۱۰. جذب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور با ایجاد مشوق‌های لازم و اصلاح سیاست‌های ارزی این حوزه و کمک بخش‌های اقتصادی سفارتخانه‌های ایران در سایر کشورها،

۱۱. همکاری نزدیک با معاونت علمی و فن‌آوری برای ایجاد بستر تعریف نیازها و توانمندی‌های فن‌آوری و کمک به حوزه اقتصاد دانش‌بنیان.

ه) گسترش کریدورهای اقتصادی و لجستیکی به مثابه راهبرد توسعه پایدار و قدرت نرم منطقه‌ای

ایران، با موقعیت ژئواستراتژیک منحصر به فرد خود، ظرفیت آن را دارد که به هاب ترانزیت و تجارت منطقه‌ای میان آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه، و آسیای جنوبی تبدیل شود. توسعه کریدورهای اقتصادی، نه تنها راهکاری برای ارتقای بهره‌وری و رشد صادرات محور است، بلکه ابزاری برای ارتقای قدرت نرم، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش اثرپذیری از تحریم‌ها به شمار می‌رود. این راهبرد، ریل‌گذاری جدیدی برای پیوند اقتصاد ایران با زنجیره‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. در این راستا اقدام‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱۲. ارتقای کارایی اقتصادی و بهره‌وری ملی از طریق

- کاهش هزینه مبادله از طریق توسعه زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل، گمرک، زیرساخت دیجیتال)،
- افزایش رقابت‌پذیری صادرات از طریق اتصال بنگاه‌های داخلی به بازارهای جهانی و کاهش هزینه نهاده‌های وارداتی،
- شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی در امتداد کریدورها برای بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس و زیرساخت مشترک،
- تنوع‌بخشی بخشی با هدایت سرمایه و نیروی کار از بخش‌های رانتی به صنایع نوآور، کشاورزی و خدمات، و
- بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید از طریق بهینه‌سازی تخصیص منابع و ارتقای زیرساخت‌های عمومی.

۱۳. تقویت قدرت نرم و ارتقای نقش منطقه‌ای ایران از طریق

- تبدیل ایران به گره ژئواکونومیک منطقه‌ای با نقش‌آفرینی در زنجیره‌های تأمین آسیای جنوبی، قفقاز و آسیای مرکزی،
- مشارکت در ابتکارات منطقه‌ای برای هماهنگی مقرراتی و میزبانی نشست‌های زیرساختی چندجانبه، و
- تسهیل شکل‌گیری توافقات دوجانبه و چندجانبه در حوزه‌های تجارت، حمل و نقل و مقررات گمرکی.

۱۴. افزایش تاب‌آوری در برابر تحریم‌ها و افزایش استقلال نهادی از طریق

- ایجاد مسیرهای جایگزین حمل و نقل از طریق کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب به منظور کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی پرریسک،
- تعمیق روابط اقتصادی با کشورهای عضو «کمربند و راه» (BRI)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا EAEU و جنوب جهانی؛ توسعه ابزارهای تسویه غیرمتمرکز و تهاتری، و

- ارتقای ظرفیت لجستیک و نهادی داخلی برای کاهش وابستگی به واسطه‌های بین‌المللی و افزایش خودکفایی تجاری.

۳.۱۲. اقتصاد هوشمند و تحول رقومی (دیجیتال)

برای توسعه اقتصاد رقومی و دانش بنیان از مجوزهای قانونی و تنظیم لوایح مورد نیاز، با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، برای نیل به اهداف و برنامه‌های زیر استفاده می‌شود. هدف آن است که تا پایان برنامه هفتم، شرکت‌های بزرگ فن‌آوری مهم‌ترین پیشروانهای رشد اقتصادی کشور تبدیل شوند. در این چارچوب و هم‌راستا با مواد ۶۶ و ۹۹ برنامه هفتم پیشرفت اقدام‌های زیر در ۴ دسته کلان راهبردی پیگیری می‌شوند:

الف) تسهیل تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان و نوآور

۱. تسهیل و پایدارسازی تأمین منابع مالی این حوزه با تاکید بر منابع غیربانکی،
۲. تسهیل فرایند ورود شرکت‌های این حوزه به بورس و فرابورس،
۳. اعطای معافیت‌های مالی و اعتباری به شرکت‌های دانش بنیان برخوردار از متوسط رشد سالانه بالای ۲۰ درصد،
۴. تسهیل سازوکارهای تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان، و
۵. اخذ مجوزهای قانونی لازم و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی مالی برای تسهیل فهرست شدن شرکت‌های برتر دانش بنیان ایرانی در بورس‌های منطقه و آسیا.

ب) اصلاح و توسعه نظام ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی برای دارایی‌های نامشهود

۶. تنظیم و تصویب «نظام ارزش‌گذاری ویژه شرکت‌های دانش بنیان» با تاکید بر پذیرش دارایی‌های رقومی، پذیرش عین، منفعت، طلب و حقوق مالی، اموال منقول و غیرمنقول، سرقفلی، حق اکتشاف، اموال غیرمادی نظیر عواید قابل تصرف از قراردادها یا اجرای طرح‌ها، مانده پاداش پایان خدمت و ذخیره مطالبات کارکنان، حقوق و مزایای مستمر دریافتی، مطالبات قراردادی، نشان تجاری، و مالکیت‌های فکری توسط سازمان حسابرسی، و
۷. فراهم کردن ترتیبات لازم برای اعتبارسنجی شرکت‌های دانش بنیان با تکیه بر ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود توسط مؤسسات اعتباری و صندوق‌های مالی با قابلیت تبادل در بازار در فرایندهای اعتبارسنجی، وثیقه‌گذاری، ضمانت و پذیره‌نویسی با رعایت قوانین و مقررات مربوطه توسط معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی و سازمان بورس اوراق بهادار.

ج) تسهیل تعاملات بین‌المللی و تبادل فن‌آوری

۸. تبدیل شمار محدودی از مناطق آزاد و ویژه منتخب به قطب اقتصاد رقومی کشور، و

۹. تسهیل مبادلات مالی و غیرمالی (تبادل ایده و فن‌آوری) شرکت‌های دانش‌بنیان با شرکت‌های متناظر غیرایرانی.

د) مقررات‌زدایی و تنظیم‌گری نوآورانه برای زیست‌بوم نوآوری

۱۰. مقررات‌زدایی‌های گسترده ولی موقت و مشروط در درون سندباکس‌ها، و

۱۱. شناخت حق دسترسی ایرانیان به داده‌های عمومی غیرمحرمانه.

سخن پایانی

رشد اقتصادی پایدار و عدالت محور، نه یک شعار انتزاعی بلکه ضرورتی بنیادین برای حفظ انسجام اجتماعی، ارتقای تاب‌آوری ملی و گشودن مسیر توسعه در اقتصاد ایران است. طی سال‌های گذشته، اقتصاد کشور با ترکیبی از فشارهای خارجی و چالش‌های ساختاری داخلی مواجه بوده که بر روند رشد، اشتغال، ثبات مالی و اعتماد عمومی آثار قابل توجهی گذاشته است. ناترازی‌های بودجه‌ای، ناکارآمدی در نظام تأمین مالی، افت بهره‌وری، و اختلال در سازوکار توزیع منابع از مهم‌ترین عواملی هستند که حرکت به سوی توسعه متوازن و دستیابی به عدالت را دشوار کرده‌اند.

در این میان، سیاست‌گذاری اقتصادی نیازمند بازنگری جدی، انسجام نهادی و اولویت‌بخشی به اقدام‌های سیاست‌گذارانه‌ای است که بتواند رشد را به شکلی همه‌شمول، فراگیر و پایدار محقق کند. وزارت امور اقتصادی و دارایی، با اتکا به ابزارهای متنوعی که در اختیار دارد، از نظام مالیاتی و بودجه‌ای گرفته تا بازار سرمایه، گمرک، بیمه، خصوصی‌سازی و دیپلماسی اقتصادی و سهم قابل ملاحظه در سیاست‌های ارزی، تجاری و اعتباری. نقش محوری در بازآفرینی ظرفیت تولید ملی و مردمی‌سازی اقتصاد بر عهده دارد.

این سند، حاصل ترکیب تجربیات اجرایی، تحلیل‌های کارشناسی و تعهد به اهداف توسعه‌ای در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت است. تلاش شده تا ضمن پایبندی به اسناد بالادستی، راهکارهایی مشخص، قابل سنجش و هماهنگ با شرایط اقتصادی کشور برای ارتقای رشد و عدالت تبیین شود. رویکرد غالب، عبور از سیاست‌های پرهزینه و ناکارآمد، بازتعریف نقش دولت از تصدی‌گری به توانمندسازی، ارتقای حکمرانی اقتصادی و خلق سازوکارهایی برای اعتمادسازی و مشارکت حداکثری بخش خصوصی است.

بدون اصلاحات نهادی، بهبود شفافیت، افزایش پیش‌بینی‌پذیری، و بهره‌گیری از ظرفیت واقعی مردم، رشد عدالت‌محور به تحقق نمی‌رسد. این برنامه تلاشی است برای ارائه نقشه راهی که بتواند در شرایط عدم قطعیت، افق مشخصی برای اقدامات اقتصادی دولت و مشارکت فعالانه جامعه اقتصادی کشور فراهم آورد؛ گامی امیدوارانه به سوی رشد فراگیر، عدالت پایدار، و آینده‌ای روشن‌تر برای اقتصاد ایران اسلامی عزیزمان.

پایان

سید مجاہد علی